

مقتناق، ترور می آفریند،
 ترور اختناق
 دی، فضای بر خورد برابر و
 تعصب اندیشه و عقیده هاست
 ما که حرمت آزادی را نگاه نمی دارند
 مقتناق و ترور را پرورش می دهند

شنبه

۱۵

اربعدهم ۱۳۵۸
 ۱۳ جمادی الاخره ۱۳۹۹
 ۱۹۷۹ م ۵

پیغام امروز

شماره ۴۷ دوره جدید سال بیستم تک شماره ۱۰ ریل

دکتر شایگان، در گفت و شنودی با پیغام امروز:

پایه های امپریالیسم در ایران از میان نرفته مهم ترین مسأله قانون اساسی، آزادی و استقلال ملت ایرانست



* مصدق می خواست آزادی را در ایران تأمین نماید
 * برای قانون اساسی اول باید از مردم نظر بخواهند و بعد
 عده بی حقوقدان در تدوین آن شرکت کنند
 * اگر قوه قضاییه، مقننه و اجرایی در دست یک نفر متمرکز
 باشد تبدیل به دیکتاتوری می شود

یادآوری

گفتگونی داشتیم با دکتر شایگان، حقوقدان، سیاستمدار و مرد ادب و فرهنگ ایران که نامش مزین صفحات تاریخ معاصر ایران است. نسل قبل از کودتای ۲۸ مرداد شایگان را بخوبی میشناسد، و او را در سنگر دانشگاه، در سنگر مجلس، در پست وزارت در کنار مصدق و فاطمی، مدافع آزادی و حقوق ملت ایران دیده است. شایگان یار وفادار مصدق، کسی که در ۲۵ مرداد فرار شاه از ایران را از رادیو اعلام نمود و سالها در بند و تبعید بود، کسی که حتی قبل از آن با کمال شجاعت دفاع از رهبران حزب توده را در دادگاهها بعهده گرفت، چهره ای روشن از گذشته نه چندان دور نهفت است. اما شایگان برای نسل بعد از کودتا نیز چندان چهره غریبه ای نیست. چه آنان که درگیر مبارزات بودند، میدانستند که برخلاف دیگر همکارانش خانه نشینی و مصلحت اندیشی پیشه نکرد و سهم مهمی در امتحان

مردم ایران توطئه جدید «راست و چپ» را خنثی کنید

عوامل تفتین در تقاضای مبارزات ملی، از سرشمار و آگاهی دست به صدور شعارهایی زده اند که نمایش عمیق بیماری روانی و بداندیشی آنهاست، شمشیرگذاشتن میان مردم مملکت، و جدا ساختن آنها از هم، با تمبیر «مسلمان» و «غیرمسلمان»، شمار کهنه بی شده است. به همین اندازه نادرست و هجوم آمیز شعار دیگر آنهاست که این روزها، رواج داده اند، و چندان بی با و تنگ نظرانه و غرض آلود است که نمی توان باور کرد، تراوش اندیشه ای است که در انقلاب ضد استبداد و ضد امپریالیسم حضور داشته است. اسامی شعار است و حتی هر طرح نامربوطی که به نام پیش نویس قانون اساسی، برای سنجیدن میزان واکنش مردم، به روزنامه داده بودند، جای پای این طرز تفکر را می توان دید: نه راست، نه چپ!

آنکه، این مضمون را، در قالب پیش نویس قانون اساسی به خورد مردم می دهد، خود بداندیشه سپاهش، آگاه است که چه دارد می کند، دارد پای تفتیش عقاید را، به نحوی در قانون اساسی بازمی کند، و می خواهد که رئیس جمهوری «نه راست باشد، و نه چپ» و نمایندگان قوه مقننه، «نه راست باشند، نه چپ» و در نتیجه یک آرگانی، یک سازمانی برای تمیز اینکه رئیس جمهوری یا نمایندگان، راست یا چپ هستند یا نه، بتوان قدرتی فوق قانون اساسی، و فوق قدرت مردم، بوجود آورد. و آنچه را که در اصطلاح، تبعیض و نابرابری می نامند، بر جامعه ما، جاری سازد.

این، هیولای وحشتناکی است که باید آنرا شناخت، فاشیزم، شاخ و دم ندارد، فاشیزم درست همین هیولای تبعیض گر و تبعیض گراست. و ملاکی که برای تشخیص راست و چپ می خواهد وضع کند، محل بحث است. کدام چپ؟، کدام راست؟

هر عامل تبعیض گرا، قدرت طلب، که خود را برتر از اراده و قدرت طلبی ناشی از مردم بداند راست است. هر عامل، که خود را قیم و ولی مردم بشناسد، و مردم را به اطاعت از امر و فرمان خویش، در اداره امور اجتماعی و سیاسی جامعه ناگزیر سازد، راست است. هر دیکتاتور، در هر لباس و بیاثر مشرب که زویاری جامعه قرار گیرد، و برای استقرار سلطه خود، به ایجاد چنان تقسیم و تجزیه در جامعه مبادرت ورزد که منجر به تضعیف قسمتی یا تمام حقوق اساسی و سیاسی گروه هایی از مردم بشود راست است، ارتجاع، فقط در قالب شاه و وفودالها تجسم پیدا نمی کند، آن دست های

بقیه در صفحه ۸

یک کارگر و دو مهندس ذوب آهن، ناپدید شده اند

همکاران مهندس عبدالعلی - سمانی در ذوب آهن اصفهان که سوی پاسداران کمیته مورد سبایت غیر قرار گرفته است، از قانون و کلا و جمعیت ایرانی حقوق بشر خواسته اند تا در مورد پدید شدن مهندس مجروح، یک کارگر و مهندس دیگری تحقیق کنند. کارکنان ذوب آهن اصفهان انتشار گزارشی جزئیات تازه ای در این ماجرا را روشن کرده اند. برنامه آمده است: روز یکشنبه اردیبهشت حوالی ساعت ۵ صبح یک زن و دو مرد از سوی کمیته به خانه مهندس عبدالعلی سمانی در پهلادشهر (آریا شهر سابق) مراجعه می کنند. زن پاسدار رسمی زند در حالیکه دو مرد دیگر مادر دست داشتن اسلحه کلت و وزی در قاصده ای دورتری هستند. مهندس رحمانی که از خواب بیدار شده در را باز می کند. زن پاسدار می گوید: «بچه ام مریض است و کمک می خواهم» رحمانی که لباس پیر برتن داشته می خواهد در را

بقیه در صفحه ۸

حزب محافظه کار در انتخابات انگلستان پیروز شد

لندن - حزب محافظه کار خانم مارگارت تاچر در انتخابات دیروز انگلستان پیروز شد و اکثریت کرسیهای مجلس عوام را اشغال کرد. محافظه کاران پیروزی بزرگی بر رقیب همیشگی انتخاباتی خود، حزب کارگر کسب کردند، آگاهان علت شکست حزب کارگر را در دو عامل مهم سیاسی بررسی می کنند اول بی پایگی و نارسائی برنامه های ابراز شده است از طرف حزب و دوم اختلاف شدید جناحهای راست و چپ در درون حزب کارگر. حزب کارگر که دارای نفوذ و حیثیت در اتحادیه های کارگری و سندیکائی است هرگز به تعهدات و قولهایی که معمولاً قبل از انتخاب شدن می دهد عمل نکرده است و همین باعث دل سردی اتحادیه های پرتفوذ کارگری در حمایت از حزب، دولت کارگری

بقیه در صفحه ۸

بقیه در صفحه ۸

نکته و نگاه:

حزب محافظه کار انگلیس، در انتخابات آن کشور پیروز شد. اما اگر گمان برید که این پیروزی، در سیاست کلی انگلیس تغییری پدید می آورد، اشتباه می کنید. این دو حزب، در واقع دو روی یک سکه اند. و محافظه کار، در آن روی سکه، همان ارزش را به سکه می دهد، که در این روی سکه، کارگر.

نظام محافظه کار اجتماع انگلیس، زمانی برای فریب زحمتکشان جامعه خودی و جامعه بین المللی، و بعدها برای بی اعتبار کردن نام کارگر این حزب را برای رقابت، جانشین حزب لیبرال کرده و اکنون پیش از پنجاه سال است که در، اینگونه روی پاشنه حکومت در انگلیس می گردد: کارگران، تازمانی که مردم خسته نشده اند همین که خسته شدند، محافظه کاران، تا تنوعی از ناهای و آدمها باشد اما تا کی؟...

سؤال از دولت:

تکلیف هزار قرارداد محرمانه با آمریکا چه شد؟

یکی از زیانهای بزرگ ترور آلمت که فضای بحث های مهم را در جامعه آزاد تغییر می دهد، و مسائل اساسی و عمده را به نفع عواملی که در راهی غیر از هدفهای ملی و مردمی پیش می رانند، از بحث روز خارج می کند، ماجرای اسناد و مدارک وزارت امور خارجه ایران، در رابطه با امپریالیسم آمریکا، موضوع روز بود، ولی ناگهان با ترور «استاد مطهری» این ماجرا، بدست فراموشی سپرده شد. و دیگر حتی مناسبتی در پیش نخواهد بود که سخنگوی دولت، زحمت وزن کردن یکی از هزار پرونده قرارداد های محرمانه و آمریکا را به خود بدهد تا بینندگان تلویزیونی، باور کنند که برای رسیدگی به هزار قرارداد محرمانه، اگر هزار سال نه لاقط هزارامه وقت لازم است. و می دانید که در این هزار ماه، هزار زمینه تازه برای فراموشی پیدا خواهد شد که یکی هم تلاش برای بستن خون «استاد مطهری» به دست و ریش گروه هایی است که درباره مبارزه ضد امپریالیستی دولت مسوقت انقلاب، تاکید می ورزند و هیچ فرصت را برای طرح مداوم ضرورت اتخاذ مشی ریشه کنی نفوذ مستولی آمریکا، بر حکومت، سیاست، اقتصاد و ارتش ایران، از دست نمی دهند.

بقیه در صفحه ۸

وزیر دادگستری: دادگستری باید مستقل باشد

قوه اجرائیه نباید بهیچ وجه در امور قضایی دخالت کند اسداله مبشری وزیر دادگستری در يك مصاحبه با خبرگزاری پارس اعلام کرد: جامعه ایران موسمی خوشبخت و سعادت مند خواهد بود که يك دادگستری بمعنای واقعی و عملی داشته باشد و تکیه گاهی برای مردمان این جامعه بشمار آید و از نظر مالی و اختیارات عزل و نصب کارکنان قضائی و امور مربوط به قضات مستقل باشد. وی افزود مهمترین وظیفه هدف و برنامه دادگستری کوتاه کردن مدت رسیدگی بجرایم و وصول به حق در امور مدنی و کیفری است و نباید مردم را

بقیه در صفحه ۸

تروریستهای اصلی

تروریستهای حرفه ای، روز چهار شنبه کوشیدند از حادثه ترور «استاد مطهری» يك فضای ترور و ارباب، علیه روشنفکران و طرفداران آزادی های سیاسی، پدید آورند. آنها که خود، فضای جامعه را از هوای مسموم اختناق لبریز کرده اند، از ارتکات هیچ جنایت، حتی جمل و قلب تاریخ فروگذار نمی کنند، پیش از آنکه تهران چشم بگشاید و از حادثه ترور «استاد مطهری» آگاه شود، اعلامیه بی نوشتند و پای آن نام دانشجویان «انفکاه های تهران» را نقش کردند، و بانقل قول از «مارتن لوتر کینگ» کشش سهاپرست و جاهل امریکایی، به ترجمه آدمی همان اندازه صادق در تحقیق آنچه از قلمش جاری می شود، که خورد «لوتر کینگ»، از لنین نقل کردند «ما برای نيل

بقیه در صفحه ۸

برخوردهای جدید بین فاشیست‌های انگلستان و مخالفان آنها

هزاران نفر در بیرمنگام و لندن علیه حزب فاشیستی «جبهه ملی» دست به تظاهرات زدند. «جبهه ملی» میتینگی ترتیب داده بود که با اعتراض تظاهرکنندگان ضد فاشیست روبرو شد و در زدو خوردی که بوجود آمد پلیس ۲۳ نفر را دستگیر کرد. برخورد زمانی پیش آمد که فاشیست‌ها با پرتاب صندلی به تظاهرکنندگان حمله کردند و گروه‌های ضد فاشیست هم با سنگ و آجر به دفاع از خود پرداختند.

«جبهه ملی» یک حزب ثورنازی است که در سالهای اخیر در انگلستان به فعالیت و سهمی دست زده و سعی دارد افکار عمومی را علیه مهاجران غیر سفیدپوست تحریک کند. بحران اقتصادی انگلستان و نارضایتی مردم از اوضاع سیاسی باعث شده برای فعالیت احزابی نظیر «جبهه ملی» زمینه مساعدی فراهم شود. فاشیست‌های انگلیسی هم مانند همقطاران شان در دیگر کشورها، می‌خواهند از نارضایتی عمومی استفاده کرده و با طرح شعارهای نژادپرستانه و تحریک تعصبات خرافی توده‌ها، انرژی

سیاسی مردم را به مسیر های انحرافی بکشند. نیروهای سیاسی انگلستان در مقابل جان گرفتن فاشیسم عکس العمل‌های متفاوتی نشان می‌دهند، حزب کارگر فاشیست‌ها را محکوم کرده است ولی واضح است محافل دست راستی و حتی حزب محافظه کار انگلیس بطور مستقیم و غیر مستقیم فاشیست‌ها را تقویت می‌کنند. بطوریکه خانم «مارگرت تاجر» رهبر حزب محافظه کار، که احتمالاً در انتخابات این هفته نخست وزیر خواهد شد، علناً با خواست غیر قانونی شدن «جبهه ملی» و سازمانهای دیگر نئو- نازی مخالفت کرده و برای آنها حق فعالیت قائل شده است. از سوی دیگر نیرو- های دموکرات و مترقی انگلستان شدیداً با آزادی عمل فاشیست‌ها مخالفند و بعضی از گروه‌های چپ‌گرا معتقدند باید با توسل به خشونت فاشیسم را سرکوب کرد. بعقیده این گروه‌ها در شرایطی که پلیس عملاً در همه برخوردها از فاشیست‌ها حمایت می‌کند، نیروهای مترقی باید با اعمال زور جلوی فعالیت سیاسی دستجات نئو- نازی را بگیرند.

دولت آمریکا در تجارت خارجی کنترل بیشتری اعمال می‌کند

تکرانی دولت آمریکا از کسری موازنه بازرگانی خارجی آن کشور باعث شده سنای آمریکا به بررسی طرح قوانینی برای کنترل صادرات و واردات کشور بپردازد. تاکنون دولایحه قانونی به سنای آمریکا داده شده که بموجب آنها همه فعالیت‌های تجاری و وزارتخانه‌های مختلف بوسیله یک وزارتخانه جدید بنام «تجارت و سرمایه‌گذاری» کنترل خواهد شد. دولت آمریکا هم پیشنهادات جداگانه‌ای در این رابطه به مجلس سنا ارائه خواهد کرد.

سال گذشته کسری موازنه بازرگانی خارجی آمریکا به رقم ۲۸/۵ بیلیون دلار رسید. این رقم امسال احتمالاً کمتر خواهد بود ولی افزایش اخیر قیمت‌های نفت می‌تواند باز هم وضع پیش بینی نشده‌ای بوجود آورد. یک سناتور آمریکایی بنام «چارلز متایاس» کسری موازنه بازرگانی را دلیل اصلی تورم، نزول ارزش دلار و پایین آمدن سطح زندگی

آمریکایی‌ها دانست و او گفت یک پنجم حرفه‌های تولیدی آمریکا و یک سوم سود شرکت‌های آمریکایی از فعالیت‌های تجاری بین‌المللی آن کشور تأمین می‌شود. سناتورهایسی که خواهان کنترل بیشتر دولت بر تجارت خارجی هستند، معتقدند فقدان چنین کنترلی به ضرر آمریکاست بنظر آنها وجود سازمانهای دولتی جداگانه که بدون هماهنگی با یکدیگر کار میکنند باعث میشود رقبای تجاری آمریکا بتوانند از این عدم تمرکز به نفع خود استفاده کنند.

بر طبق لوایح قانونی جدید دولت آمریکا سرمایه‌گذاری‌ها و سیاست‌های تجاری را کنترل خواهد کرد و از صنایع و کشاورزی در مقابل رقابت خارجی حمایت بعمل خواهد آورد. از جمله وظایف دیگر دولت تأمین مواد خام مورد نیاز آمریکا و طرح برنامه‌های دراز مدت برای گسترش منافع اقتصادی آمریکا در سراسر جهان است.

مذاکرات مهم موشه‌دایان و کسینجر در روزه چین

بیت المقدس - راديو اسرائيل در سرویس اخبار خارجی خود دیشب اعلام کرد موشه‌دایان وزیر امور خارجه اسرائیل و هنری کسینجر در هونگ کنگ ملاقات و مذاکرات مهمی انجام دادند.

هنری کسینجر چند روز گذشته را در پکن بسر میبرد و با مقامات عالی‌رتبه دولت جمهوری خلق چین مذاکراتی انجام داده است و گفته میشود ملاقات دیرروز موشه‌دایان و هنری کسینجر در ارتباط با استمرار مناسبات سیاسی و اقتصادی بین اسرائیل و چین است.

چندی قبل موشه‌دایان تمایل اسرائیل را جهت ایجاد رابطه با چین بدنبال مسافرت یک هیات اقتصادی اسرائیل به چین با اطلاع مقامات چین رسانده بود و احتمال می‌رود بزودی موشه‌دایان از پکن دیدن نماید.

خط لوله گاز سبیری ساخته میشود

بنا به اظهارات مقامات کمیسیون اقتصادی شوروی و ژاپن دو کشور با همکاری ایالات متحده بر سر یک قرار دارد خط لوله گاز سبیری که ماه گذشته بین وزارت بازرگانی شوروی و شرکتهای ژاپنی و آمریکایی بامضاه رسید بتوافق رسیده‌اند بموجب این موافقت نامه ایالات متحده آمریکا و ژاپن اجرای پروژه خط لوله گاز رسانی از منطقه یا کوتل واقع در سبیری به کشورهای ژاپن و آمریکا را بعهده خواهند گرفت. مبلغ این قرارداد گفتگوهای بیشتری بین سه کشور در مورد میزان گاز قابل صدور، که احتمالاً یک بیلیون متر مکعب برای هر یک از کشور های خریدار میباشد، در اواسط

نظامیان اروگورنه در یک حمله به جلسه محرمانه حزب کمونیست اروگورنه ۴۸ تن از اعضای آنرا دستگیر نمودند. رژیم نظامی اروگورنه حزب کمونیست این کشور را در سال ۱۹۷۳ غیر قانونی اعلام نمود. لئون پونیاچیک دبیر اول حزب نیز جزء دستگیر شدگان میباشد.

۱۹۸۰ بعمل آید. همچنین دو کشور ژاپن و آمریکا متقابلاً تعهد کرده‌اند که برای اجرای پروژه‌های اکتشاف، ایجاد خط لوله، مایع کردن گاز و سایر تسهیلات مورد نیاز و امهائی در اختیار دولت شوروی قرار دهند.

آگهی مناقصه

این سازمان بسته بندی دوهزار تن چای بسته بندی دستی را بمعناقصه می‌گذارد داوطلبان برای دریافت شرایط مناقصه ونمونه قرارداد و تسلیم پیشنهاد میتوانند همه روزه (باستثناء روزهای تعطیل) تا آخر وقت اداری روز شنبه ۵/۳/۵۸ که آخرین روز قبول پیشنهادهاست بداره دبیرخانه واحد چای واقع در خیابان وصال شهر آری شماره ۲/۱۰۷ مراجعه نمایند. سازمان غله و قند و شکر و چای کشور

ادعاهای عجیب و غریب نیز باعث شرمندگی است

خسرو شاکری، دبیر کنفدراسیون دانشجویان ایرانی خارج از کشور، که سالها در مبارزات دانشجویان در اروپا و آمریکا شرکت فعال داشته است در گفتگویی پاره‌ای مسائل را که دکتر یزدی در مصاحبه‌اش با روزنامه اطلاعات عنوان کرده بود، روشن ساخت.

شاکری در ابتدا به مسئله اختلافات بین سنجایی و روحانی که گفته می‌شود باعث استعفای سنجایی شده است، اشاره کرد و گفت: روشن نیست سکوت چند هفته‌ای سنجایی و معاون او سلامتیان چه دلیلی داشته‌است. چرا از همان ابتدا این مسائل را با مردم در میان نگذاشتند. آنها علت این نبود که هنگامیکه اختلافات آنها با دولت شدید شد، این مطالب را رو کردند ولی تا آن لحظه بر این مسائل سربوش می‌گذاشتند؟

پنهان کردن اسناد سفارت ایران در واشنگتن و خودسری- های شه‌ریار روحانی با اصول انقلاب مردمی ما نمی‌خورد. از سوی دیگر روشن نیست که چرا برای مشورت در مورد قرارداد‌های ایران و آمریکا، وکیل آمریکایی را استخدام کرده‌اند، همه میدانند که یک تبعه آمریکا به هر چه کشورش قسم خورده است تا از منافع آمریکا دفاع کند. پس چگونه می‌توان از وکلای آمریکایی انتظار داشت که از منافع کارگران و دهقانان با بطور کلی از منافع مردم ایران در مقابل قرارداد‌های اسارت‌بار آمریکایی، دفاع کنند.

هنگامیکه مسئله دفاع از ملی شدن صنعت نفت ایران در دادگاه لاهه مطرح بود، دکتر محمد مصدق، سنجایی را که حقوقدان صالحی بود مأمور این کار کرد. در صورتیکه دکتر غلامحسین مصدق را که از نزدیکانش بود و شاید اطمینان بیشتری به او داشت، به این مأموریت تفرستاد.

پس می‌تواند در مسائل بین المللی صلاحیت و توانائی علمی مقدم بر نزدیکی قاملی داشتن است. شه‌ریار روحانی چه تجربه سیاسی و توانائی علمی دارد که چنین مأموریت مهمی در حل و فصل قراردادها به عهده‌اش بگذارد؟

* شاکری به مطالبی که دکتر یزدی در مورد سابقه مبارزاتی خود و قطب‌زاده در آمریکا بیان داشته است، اشاره کرد و توضیح داد: دکتر یزدی در مصاحبه‌اش با روزنامه اطلاعات سعی کرده مبارزات دانشجویان مترقی کنفدراسیون را ناچیز جلوه دهد و در عوض برای خودش و قطب‌زاده تار و پود سیاسی بر علیه رژیم شاه را دانشجویان مترقی و چپ

کنفدراسیون بر عهده آنها بارها و بارها برای زندانیان سیاسی و تبعیدیان از جمله آیت‌الله خمینی، طالقانی و آیت‌الله غفاری همچنین مجاهدین و فدائیان تظاهرات و اعتصاب غذا کرده‌اند. دکتر یزدی نیز هم‌مدرك ارائه‌دهنده اسناد است. مسلمان «برای دفاع از آزادی سیاسی، اعتصاب غذا کرده‌اند» دکتر یزدی ادعا کرد در سال ۴۱ با جنبش رهایی‌بخش الجزایر ارتباط برقرار کرد. حال که مسئله انشای سازمانی به کسی لطمه نمی‌رسد پس عنوان کند کی به الجزایر رفته و با چه کسی ملاقات کرده‌اند، دکتر یزدی به نسبت می‌دهد. من برای ملاقات با بن‌بلا در آوریل سال ۱۳۷۷ به الجزایر رفتم. قرار بود پایگاهی برای تعلیم چریک‌ها اختیار ما بگذارند. در این پایگاه نظامی بودیم که بومدین با گرایشهای راست راس کشور الجزایر قرار گرفت و مسئله دنبال نشد. عکس بن‌بلا به روزنامه ایران ارگان دانشجویان خارج کشور، تقدیم کرده و در پی امضای او موجود است. در زمان در روزنامه چاپ شد * دانشجویان مسلمان عضو جبهه ملی و کنفدراسیون بودند، هنگامیکه جنبش دانشجویی رادیکال تر شد و موبه ضد امپریالیستی گرفت، کارگیری کردند و در انجمن اسلامی که کلاس کار تعلیم اسلام را برعهده داشت، تجمع کردند. پرونده سازی‌های ساواک همواره علیه دانشجویان مترقی و چپ صورت می‌گرفت نه بر علیه دانشجویان مسلمان. اسناد ساواک را این زمینه منتشر کنند. خواهد دید که چقدر دانشجویان چپ و چقدر دانشجویان مسلمان برای رساندن صدای مردم خرد دیده ایران به گوش جهان تلاش کرده‌اند.

ادعاهای عجیب و غریب دکتر یزدی در مورد فعالیت در خارج از کشور باعث شرمندگی است. کسی که ادعا می‌کند شاکر حضرت علی است، نباید دروغ بگوید.

* در پایان خسرو شاکری اظهار داشت: من خواستار شرکت در یک مناظره بابتی شده‌ام تا پیرامون نقش طبقات و گروه‌های اجتماعی در جنبش مردم ایران و نقش مردم در بازسازی اقتصاد آینده ایران، بحث بپردازیم. رسید این تقاضای مناظره را در دست دارم ولی تا کنون خبری در این مورد به من نرسیده است.

شیخ راس الخیمه در خطر!

اختلافات داخل امارات متحده عربی موقعیت حاکم راس الخیمه را بشدت بسقوط نزدیک کرده است، که ممکنست اثرات زیان باری برای منطقه خلیج فارس ببار آورد. شیخ صفر بن محمد القاسمی، حاکم راس الخیمه، که روزانه صد تا نوزدهت از شاهرک نفتی غرب یعنی تنگه هرمز در کنار آن عبور میکند، این روزها با مخالفت‌های شدید مردم منطقه روبرو شده است. شرایط نامساعد اقتصادی و فقر این شیخ نشین، که درآمد عده‌اش از طریق شرکت‌های خدماتی غرب تأمین میگردد و از درآمد نفتی بی‌بهره است، ساکنان سی قبیله را بر آن داشت که دست به تظاهرات خیابانی زد و آشکارا با شیخ صفر و شیوه حکومتی‌اش مخالفت نمایند. تظاهرکنندگان که قصد پائین کشیدن پرچم‌های دولتی را داشتند با مقاومت جدی نیروهای مسلح روبرو نگردیدند. سی تن از رهبران تظاهرات بنمایندگی از طرف سی‌وهفتاد راس الخیمه با مقامات دولتی وارد مذاکره شدند و خواسته‌های شان را که عبارت بودند از:

- ۱- راس الخیمه باید برای تقویت فدراسیون اتحادیه امارات عربی از ابوظهبی حمایت بعمل آورد.
- ۲- شیخ صفر باید از اعلامیه شورای ملی فدرال مبنی بر وحدت امارات حمایت نماید.
- ۳- ساکنان راس الخیمه بایستی در تصمیمات اقتصادی حق و مخالفت بیشتری داشته باشند.

بعلاوه، آنچه در راس الخیمه میگردد انعکاسیت از تحولات اخیر ایران که سایر حکام امارت متحده عربی را نیز تحت به نگرانی واداشته است.

کارگران آلمان از چاپ تایمز در آلمان جلو گیری کردند

روزنامه تایمز لندن بعد از ماهها تعطیل ناشی از اعتصاب کارگران شرکت تایمز، اخیراً طی تماسی مخفیانه با یکی از چاپخانه‌های فرانکفورت کوشید تا یک هفته نامه تایمز برای خوانندگان بین‌المللی‌اش منتشر کند. لیکن یکمک اتحادیه‌های کارگری آلمان خیر مربوط به چاپ این روزنامه انشاء گردیده و تظاهرات پی‌درپی علیه چاپخانه مزبور که منجر به زدو خورد‌های خیابانی شده بود سرانجام انتشار این هفته‌نامه را متوقف ساخت. گرچه در این میان مدیریت تایمز از پشتیبانی آشکار پلیس آلمان از سرک می‌باشد.

عقبه کارگران بر خوردار بود. با این وجود تصمیم بر این شد نه فعلاً از انتشار تایمز خودداری گردد. بنا باظهار سردبیر این روزنامه احتمال می‌رود کوشش‌های مجدد در یافتن یک محل مطبوعه در آلمان برای انتشار این هفته نامه بموفقیت برسد. چاپخانه‌ای که قصد چاپ روزنامه تایمز را داشت، از کارگران مهاجر، که عمدتاً ترک می‌باشند و با دستمزد ناچیز بکار گرفته میشوند، استفاده می‌نماید. ضمناً این چاپخانه متعلق به یک سرمایه‌دار از سرک می‌باشد.

سایه‌های به‌ریشه‌های جنگ بین دو یمن

جنگ بین دو یمن باهت تر شدن اوضاع خاورمیانه درگیری نظامی بین یمن شمالی و یمن جنوبی و قدرتهای بزرگ جهانی برعت و ادار به عکس العمل و در جنوب شبه جزیره تن موقعیت بسیار پیچیده‌ای در آورده است.

در سال ۱۹۶۲ در یمن شمالی یمن اعلام شد. از همان زمان این کشور دچار تشنج‌های بی‌پایان بود، بطور ادواری درت بر خوردهای نظامی می‌کنند. و یمن جنوبی که از استقلال از انگلستان در ۱۹۶۷ بصورت «جمهوری کراتیک خلق یمن» درآمد، خود درگیر بر خوردهای ملی و یاجنگ با همسایه شمالی ده است. در سال ۱۹۷۷ نیکه بنظر می‌رسید دو یمن می‌مذاکره برای ایجاد کشور فدی گرایش پیدا کرده‌اند، همان رهبران هر دو کشور بقتل دند و از آن پس تضاد رژیم‌های «صنعا» و «عدن» دائما تر شد. «عبدلفتاح اسماعیل» بر حزب حاکم یمن جنوبی با روی و کوبار و ابطنزدیکتری راز کرد و از گسترش انقلاب در کشورهای همسایه سخن گفت. در حالیکه «علی صالح» پس دولت یمن شمالی مستشاران بریکایی را به کشورش دعوت و در بخرج عربستان سعودی نادیر قابل توجهی سلاحهای بریکایی، از جمله تانک و ایسایهای اندینچ و از در کدتا ای مبارزه نهایی با «خدا شناسان عدن» آماده شود.

در عین حال یمن شمالی با جنگ داخلی روبرو بود. در ابتدا قبایل شمالی که قرنهای سیله «اسام» هایشان رهبری می‌شدند از قبول حاکمیت رژیم صنعا امتناع می‌کردند. زمانیکه یمن شمالی سیاستی مخالف عواستهای عربستان سعودی در پیش گرفت، قبایل یمنی از عربستان پول و اسلحه دریافت کردند و به شورش آنها علیه حکومت مرکزی دامن زده شد. وقتی «علی صالح» که متماثل به عربستان است روی کار آمد، به این قبایل امتیازاتی داده شد، ولی شورشهای قبیله‌ای در نقاط دیگر کشور آغاز شدند. روشنفکران و بعضی افسران ارتش از روی کار آمدن رژیم محافظه کار «علی صالح» ناراضی بودند و پس از یک شورش نظامی که سال پیش اتفاق افتاد، یمن شمالی دیگر روی آرامش را ندید. شورشهای نظامی متعددی رخ داده‌اند که اکثراً بوسیله یمن جنوبی حمایت می‌شوند. در ماه اکتبر گذشته یک کودتای ناسیونالیستی تقریباً به بیروزی رسید و فقط قطع ارتباط بین واحدهای نظامی شورشی بود که بدولت مرکزی اجازه داد قیام را در هم شکنند.

بدین ترتیب جنگ بین دو یمن بیشتر بصورت ادامه منفعتی تشنج‌های داخلی یمن شمالی به نظر می‌رسد. در حال حاضر در این کشور «جبهه دموکراتیک، ملی» در مقابل دولت قرار گرفته است. این جبهه همه نیروهای اپوزیسیون از بعضی و ناصری گرفته تا مارکسیست‌ها و لیبرال‌ها را در بر گرفته و شرایط اقتصادی و اجتماعی یمن شمالی و ناراضی‌های از رژیم - رکویگر و پلیس مخفی کشور مرتباً به محبوبیت این جبهه می‌افزاید. شکی نیست که یمن جنوبی از «جبهه دموکراتیک ملی» حمایت می‌کند ولی هیچیک از ناظران سیاسی معتقد نیستند مستشاران روسی یا کوبایی در مبارزه بین «جبهه دموکراتیک» و دولت «صنعا» شرکت دارند. درگیری نظامی بین دو یمن از آنجا شروع شد که یمن شمالی دو دهکده مرزی یمن جنوبی را به اشغال خود در آورد. بلافاصله یمن جنوبی، که ارتش نظامی مجهزتر است و در قبایل مرز نشین هم نفوذ دارد، این ضربه نظامی را بشدت جواب داد و سه شهر یمن شمالی را تصرف کرد. این همان چیزی بود که رژیم «علی صالح» انتظارش را داشت با درود سربازان یمن جنوبی به جنگ داخلی در شمال، رژیم «صنعا» توانست ادعا کند خرجی‌ها در امور آن کشور مداخله می‌کنند و بدینوسیله شورشیان داخلی را روابسته به یمن جنوبی قلمداد کرد. در ادامه این سیاست زیرکانه «علی صالح» از مصرو عربستان و آمریکا استمداد طلبید. عربستان بصورت ارتش صد هزار نفری خود را برای کمک به یمن شمالی بسیج کرد و آمریکا تحویل اسلحه به «صنعا» را تسریع نمود.

از سوی دیگری یمن جنوبی که متحدین یمن جنوبی هستند اعلام کردند حاضرند از رژیم «عدن» حمایت کنند و بدین ترتیب اوضاع در منطقه استراتژیک «خلیج عدن» بصورت بحرانی درآمد. ولی دخالت دیگر کشورهای عرب، بخصوص عراق و سوریه باعث شد موقتا از شدت بحران کاسته شود. بغداد و دمشق می‌دانستند و دخالت نظامی مصر و احتمالاً آمریکا باعث خواهد شد تعادل توا بسود نیروهای محافظه کار منطقه بهم بخورد. بنا بر این آنها بصورت به میانجیگری پرداختند و توانستند طرفین را به قبول آتش بس وادار کنند. ولی فشارهای داخلی و عواملی که بر خورد بین دو یمن را بوجود آورد هنوز وجود دارند. علاوه بر اختلافات ایدئولوژیک دو رژیم، عواملی مانند خواسته‌های قبایل مختلف سیاستهای دولتهای عربی و دخالت قدرتهای بزرگ می‌توانند منطقه یمن را مجدداً به آشوب بکشند.

کوتاه شده از هراالد تریبون جاسوسی سفیر امریکا به نفع نژاد پرستان افریقای جنوبی

بنا به گزارش یکی از روزنامه‌های افریقای جنوبی، سرویس‌های جاسوسی آن کشور از همکاری مقامات رسمی دولت آمریکا برخوردارند. روزنامه «تایمز» ژوهانسبورگ از قبول منابع اطلاعاتی نوشته است آمریکا یکی‌ها از کشورهای همسایه افریقای جنوبی عکس‌های هوایی تهیه کرده و در اختیار رژیم «اپرتوریا» قرار داده‌اند. این عکس‌ها بوسیله هواپیمای شخصی سفیر آمریکا از پایتخت‌های آنگولا، تانزانیا و زامبیا گرفته شده‌اند. روزنامه «تایمز» همچنین نوشته است آمریکا قیام در مقابل از دولت افریقای جنوبی اطلاعات سری دریافت می‌کنند و این رابطه بین سازمانهای جاسوسی دو کشور از مدت‌ها پیش بوجود آمده است.

افشای این مطالب می‌تواند به روابط آمریکا با رژیم‌های سیاه‌پوست همسایه افریقای جنوبی جدی صدمه بزند. همه این کشورها بامستقیم درگیر جنگ با افریقای جنوبی هستند و با از نبردهای سیاه‌پوست مخالف افریقای جنوبی حمایت می‌کنند. دولت نژادپرست رودزیا، که از طرف افریقای جنوبی حمایت می‌شود، در ماه‌های گذشته پایتخت‌های آنگولا و زامبیا را بمباران کرده است.

از سوی دیگر مقامات آمریکایی در حالیکه چند مسافرت‌های سفیر آمریکا را با هواپیمای مورد بحث و به همان کشورهای نامبرده تأیید کردند، اتهام جاسوسی به نفع افریقای جنوبی را شدیداً تکذیب نمودند.

بوجود آنکه اکثر ناظران مذتهاست از همکاری سرویس‌های جاسوسی آمریکا و افریقای جنوبی مطلع هستند، افشای هر سر و صدای این مطلب بوسیله روزنامه‌های افریقای جنوبی دارای اهمیت ویژه‌ای است - بخصوص پس از آنکه دولت «اپرتوریا» چند هفته پیش سه مستشار نظامی آمریکایی را با اتهام جاسوسی از آن کشور اخراج کرد.

بنظر می‌رسد منظور اصلی دولت افریقای جنوبی آنستکه از نزدیک شدن آمریکا به رژیم‌های سیاه‌پوستی که علیه نژادپرستان رودزیا و افریقای جنوبی می‌جنگند، جلوگیری کند. دولت آمریکا ادعا می‌کند با نژادپرستی مخالف بوده و خواهان حل مسالمت‌آمیز بحران جنوب افریقا است. ولی افشای عملیات جاسوسی آن کشور علیه رژیم‌های سیاه‌پوست باعث خواهد شد رهبران این کشورها به آمریکایی‌ها اعتماد کمتری داشته باشند.

آمریکا و دنیای در حال تغییر

راه سیاست امریکا بکجا می‌رود؟ آیا سیاست ثمره بحران کنونیست یا اینکه قربانی «د زوکلک‌های» واهی شورویست؟ سوالاتی از این قبیل در هفته‌های اخیر چه در ایالات متحده و چه در دیگر کشورهای جهان مطرح می‌شود. بعد از شکست ماجرای نظامی ایالات متحده آمریکا در هند و چین عده زیادی در آمریکا بی‌برندند که در مسایل سیاست خارجی نیاید اقتدار را با بی مسئولیتی توأم کرد. به همین علت باید به آن عده از آمریکایی‌ها غیر مفروض که تکیه به زور خشن و مداخلات مسلحانه در خارج را محکوم کردند و آن را زوبند بزرگ بتاکن در مسئله ویتنام دانستند حق داد. ولی این قبیل نتیجه‌گیریها باعث آن نشد که مقامات مربوط بی اساس بودن تمام سیاست بعد از جنگ آمریکا را به آنها بشناساند در حالیکه این پایه و اساس با در نظر گرفتن خواست ملی ملت‌ها و شناخت جنبه گریزناپذیر تحولات استوار نباشد بلکه بر پایه اعتقاد راسخ به این امر بی‌ریزی شده است که ایالات متحده آمریکا باید در این موضوع قاضی باشد که چه کارهایی برای ملل دیگر خوبست و چه کارهایی در کادر نفع آمریکایی‌ها باشد منظور از منافع هم متعاصر کنندگان سرمایه‌های آمریکایی

سرکوب کمونیستها در عراق

آن کشور اخیراً قانونی تصویب کرده که بموجب آن برخی فعالیت‌های سیاسی که بعد از سال ۱۹۶۸ انجام گرفته باشند مجازات خواهند داشت. از جمله این «جوابم» می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: پیوستن به حزب بعث بدون اعلام وابستگی قبلی به احزاب؛ خروج از حزب بعث به منظور پیوستن به یک حزب دیگر، و تشویق اعضای حزب بعث برای ترک این حزب هدف این قوانین حزب کمونیست عراق است.

منابع نزدیک به دولت عراق همچنین می‌گویند اکنون زمینه برای تصفیه دولت از کمونیستها آماده شده است. کمونیست‌ها قبلاً از اتحادیه‌های کارگری و مطبوعات اخراج شده‌اند. در حالی که اعتراض علیه این وقایع بتدریج بالا می‌گیرد، دولت شوروی تاکنون مستقیماً در این رابطه اقدامی نکرده است در بیانیه‌ای که احزاب کمونیست ده کشور عربی انتشار داده‌اند به مسایل عراق فقط اشاره مختصری شده و فقط حزب کمونیست فرانسه «سرکوب‌های

دولت بعثی عراق اخیراً حملات خود را علیه کمونیست‌های آن کشور تشدید کرده است. حزب کمونیست عراق بزرگترین و با نفوذترین حزب کمونیست در کشورهای عربیست. این حزب در سال ۱۹۷۲ با حزب حاکم بعث ائتلاف کرد و وارد «جبهه ملی ترقی‌خواه» شد. ولی این ائتلاف از آغاز بنیادی متزلزلی داشت. دو حزب سابقه سالها رقابت و مبارزه خونین راهت سرداشتنده که نمی‌توانست بسادگی فراموش شود.

اولین نشانه شکاف جدی در ائتلاف بعثی - کمونیستی زمانی آشکار شد که در ماه مه گذشته دولت عراق ۲۱ کمونیست را بجرم تبلیغ سیاسی در ارتش اعدام کرد. در ماه دسامبر بازم هم عده دیگری از کمونیست‌ها اعدام شدند، و در ماه سپتامبر حزب بعث پیام محرمانه‌ای به حزب کمونیست فرستاد که طی آن به کمونیست‌ها در صورت وفاداری مطلق به «انقلاب بعثی» اجازه فعالیت داده می‌شد.

در ماه فوریه اعلام شد ۱۹۳۰ نفر از کمونیست‌ها و طرفداران آنها، از جمله برخی اعضای کمیته مرکزی حزب، «ناهدید» سپس گفته شد حزب کمونیست یک سال است از «جبهه ملی ترقی‌خواه» کناره‌گیری کرده است.

کوتاه شده از: مهید است
پیغام امروز
مدیر مسئول - رضا مرزبان
زیر نظر شورای نویسندگان
ناشر: پیغام نو
نشانی پستی تهران صندوق
شماره ۴۱۹۲۶۶۷
تلفن ۶۶۰۲۵۷

اول ماه مه
روز کارگر
چگونه پیدا شد؟
از: محمد عتیق پور
بها: ۹۰ ریال

خبرگزاری مطبوعاتی نووستی

مقالات سخنی چند درباره وحدت جنبش چپ

وحدت نیز همانند تمامی واژه‌های سیاسی دیگر، و تمامی پروسه‌های زندگی اجتماعی، خارج از محدوده زمان و مکان و شرایط روز حرکت نمی‌کند به وحدت رسیدن به معنی زیرپرچم این یا آن جریان خاص رفتن نیست، بلکه نزدیکی است که در آن از برخورد نظرات مختلف سنتز جدیدی حاصل می‌گردد

منشاء روشنفکری است، که خود البته در آغاز کار امری است طبیعی و محدوده فعالیت و تاثیر بخشی آنان هنوز نیز عمده تا بین‌خبرده بورژوازی است.

تظاهرات، راه‌پیمایی‌ها و میتینگ‌های مختلف که جنبش چپ قبل از بشار رسیدن انقلاب سیاسی و چه بعد از آن بطور مستقل برپا نموده، بخوبی مؤید حکم فوق می‌باشد. هرچند در اینجا و آنجا با نفوذ چپ ایران در بطن جنبش کارگران مواجه هستیم و آنان را چه در جنبش سندیکالیستی و چه در جنبش مطالباتی فعال می‌بینیم. اما تا تبدیل این آشنائیا به روابط ارگانیک و نفوذ اندیشه‌های سوسیالیستی در میان جنبش‌های کارگری فاصله زیادی داریم، و از اینرو جریانات سیاسی جنبش چپ دچار نوسانات و تزلزل، ثورویکی

پارهای از جریان‌های سیاسی جنبش چپ، اینجا و آنجا دم از «وحدت» می‌زنند و فرمول «وحدت» را بعنوان «راه‌حل» تمام معضلات سیاسی جامعه عرضه می‌نمایند، و برآنند که باوحدت جریانات جنبش چپ، هم‌پیمان بر روند ایجاد احزاب سیاسی طبقه کارگر تاثیر نهد. در مقابل انحصارطلبی بخش‌هایی از جنبش مذهبی، ایستادگی نمود. برآنگذی نیروهای مختلف سیاسی، عقب ماندن آنان از جنبش خود بخودی مردم، همراه با روشن ترشدن ضعف واقعی خرده‌بورژوازی سنتی در حل معضلات کنونی، زمینه‌های اجتماعی لازم برای ارائه نمودن بحث وحدت فراهم نموده است. زمینه‌هایی که در صورت برخورد عجلانه به مسئله وحدت، و نادیده گرفتن معضلات و مشکلاتی که هم‌اکنون در مقابل جریانات مختلف سیاسی قرار دارد، می‌تواند نتایج برای امر وحدت زیان‌بخش باشد بلکه این آرزوی دیرینه کمیونست‌های ایران را به‌سراپی تبدیل نماید، و نتیجتاً خود باعث حتی از بین رفتن زمینه‌های مساعد امروز می‌گردد.

برای عملی کردن وحدت اصولی، برای تأمین سرکردگی سیاسی پرولتاریا در ادامه جنبش ما به چیزی بیشتر از نیازهای روحی‌سیاسی در نزدیکی جریانات سیاسی جنبش چپ احتیاج داریم، جنبش چپ باید گامی فراتر از حد تعارفات و صرفاً برشمردن زمینه‌های مادی مساعد وحدت بردارد، تا بتواند تضمین‌های لازم اجتماعی را برای ادامه کاری وحدت در صفوف جنبش فراهم نماید.

برای وحدت، عواملی بیش از دشمن مشترک، و رشد جنبش خود بخودی کرده‌ای، و حتی وجود شرایط انقلابی لازم است، برای وحدت، و مدتی پیش جریانات سیاسی، ابتدا و مهمتر از همه، روشن‌تر شدن مواضع طبقاتی این جریانات ضروری است.

با نگاهی کوتاه به طیف جنبش چپ، به نفوذ واقعی آنان در بین زحمتکشان و به‌تائیری که در روند و تحول انقلاب داشته‌اند، میتوان محدوده واقعی فعالیت جنبش چپ را دریافت. منشاء عمده این تحركات،

می‌باشند که یکی از دلائل عمده آن، نزدیک نشدن واقعی به جنبش است که خود را مدافع آن میدانند. از ادعای طرفداری از طبقه کارگر تا تثبیت عملی این جریانات، بعنوان بخشهایی از جنبش کارگری فاصله زیادی است. بعبارت دیگر، این ادعا - یعنی مدافع طبقه کارگر بودن - باید از طرف کسانی که مورد ادعا واقع میشوند، یعنی خود طبقه کارگر هم قابل قبول باشد. این کافی نیست که «من» خود نماینده و یا پاسکوی طبقه کارگر و حتی بخشی از آن بدانم بلکه این سمت نیز باید از طرف خود طبقه و یا حداقل بخش آگاه آن پذیرش مورد قبول باشد و عملاً آنان در مبارزات اجتماعی خود نشان داده باشند که نه تنها از وجود این یا آن جریان سیاسی مطلع هستند که این بخودی خود نشانه خوبی از آغاز این روند است - بلکه رابطه ارگانیکی بین اجزای جنبش سوسیالیستی و جنبش کارگری موجود باشد. جنبش چپ تا زمانی که خارج از محدوده طبقه خویش فعالیت میکند، تا زمانی که روشنفکران گردان اساسی آن را تشکیل میدهند، دچار انواع انحرافات و تغییر و تبدیلیهای روزانه میشوند. تغییر و تبدیلیهایی که محور اساسی آنها، ترشحات ذهنی روشنفکران تشکیل میدهد و جنبش توده‌های کارگران بخاطر عدم رشد آگاهی سوسیالیستی در میان آنان دارای معیارهای صحیحی برای کنترل تاثیر بخشی مقابل بر جنبش سوسیالیستی ندارد، و از اینرو نمیتواند کنترل توده‌های و مستقیم خویش را در تحولات فکری و ایدئولوژیک بر جنبش روا دارد.

از اینرو - تا روشن نشدن پایگاه طبقاتی جنبش چپ و برای تاثیر بخشی آنان در میان کارگران و تاثیر متقابل آنان بر رو، جنبش چپ، صحبت از «وحدت» صرفاً محدود به اجتماعات روشنفکری بوده و از آنجا که این «محدوده» در نوسانات روزانه خویش درگیر است، نمیتواند تضمین اجتماعی را برای ادامه این وحدت ارائه دهد.

مالیاتی خود، جدا ولی مبتنی بر محاسبات دفتری و قبض و اقباض‌های انبارها به وزارت دارائی تسلیم نمایند. این جداولی باید گردش مواد اولیه و گردش کالای ساخته‌شده و کالای نیم‌ساخته را هم از نظر وزن (یا تعداد) و هم از لحاظ ارزش نشان دهد. نشان دادیم که کارفرما هر سال مقدار قابل توجهی از مواد اولیه را پایه کارگاه‌های کوچک خود صادر می‌کند و یا به‌صورت خام می‌فروشد، بدون آنکه در دفاتر رسمی عمل نماید. کارفرما برای استتار جریان اخیر تغییراتی در امر فروش ایجاد می‌کند. برای روشن‌بودن این امر مثال زیر را نشان می‌دهم: (فرض این است که در اول و آخر سال انبار کالا موجودی نداشته باشد)

وزن کالای در جریان ساخت در اول سال	۲۰۰۰۰۰ کیلو
وزن مواد اولیه صادره از انبار در طی سال	۵۰۰۰۰۰ کیلو
جمع	۵۲۰۰۰۰ کیلو
کسری می‌شود وزن کالای نیمه‌ساخته در آخر سال	۳۰۰۰۰۰ کیلو
کسری می‌شود افت و ضایعات متعارف تولید	۱۰۰۰۰۰ کیلو
وزن کالای فروش رفته	۴۸۰۰۰۰ کیلو

اما می‌دانیم که قسمتی از ۵۰۰۰۰۰ کیلو نخ صادره از انبار (مثلاً ۱۰۰۰۰۰ کیلو) به‌سالمون تولید تحویل نشده بلکه به‌صورت خارج از کارخانه (کارگاه یا فروش) رسیده است، بدون آنکه در دفاتر ثبت شود. صاحبان صنایع برای پوشش این جریان به چند شیوه دست می‌زنند:

۱- فروش واقعی خود را در فاکتورهای مخصوص ثبت نموده به مشتری (که اکثراً خرید عمده می‌کنند) تسلیم می‌نمایند. این فاکتورها در دفاتر رسمی ثبت نمی‌شود. خریدار هم کاملاً از جریان راضی است چون می‌تواند میزان واقعی معاملات خود را از وزارت دارائی پس‌پان نگه‌دارد و پرداخت مالیات را منتفی سازد.

۲- در مقابل اسناد (سفته و چک) که از خریدار گرفته می‌شود، فروشنده فاکتور مارک‌دار ولی با ارقام جعلی صادر می‌نماید مثلاً اگر در برابر ۱۰۰۰۰۰ کیلو پارچه ۸۰۰۰۰۰۰۰۰ ریال اسناد گرفته‌باشد، فاکتور رسمی را به مقدار ۱۶۰۰۰۰ کیلوولی با همان مبلغ ۸۰۰۰۰۰۰۰۰ ریال تنظیم می‌نماید. و بدین طریق با افزایش مقدار، جای خالی صدق نخ صادره از کارخانه را پرمی‌کند.

★ ★ ★

آنچه در گزارش بالا آمده است نه همه واقعیات است و نه در باره تمامی کارخانجات متوسط و فوق‌کوچک صادق است. هم‌شیره‌های دیگری وجود دارد و هم در میان صاحبان صنایع متوسط و فوق کوچک، استثنائاتی می‌توان یافت. جاری بودن، و تقریباً عمومی بودن این جریان برای همه مردم و برای دولت منتخب مردم زیان‌آورد است. اهمیت این زیان به‌خصوص در این برهه ازمزمان است که دولت موقت، با همه گرفتاری و تنگدستی، میخواهد شش میلیارد ریال در اختیار صاحبان صنایع بگذارد. کوچکترین غفلت و اشتباه در خط مشی فاجعه‌آمیز خواهد بود. همانطور که صاحبان صنایع کوچک در گرفت و شنود خودبیان کرده‌اند، برای جلوگیری از فاجعه‌ای احتمالی باید چاره مطمئنی اندیشید. تاریخ کشورهای دیگر راه این چاره را به ما نشان می‌دهد، راهی که نه در يك کشور که در کشورهای مختلف تجربه شده، و از بوته آزمایش موفق بیرون آمده است. تنها چاره کار، استمداد از کارگران کارخانجات است. بگذارید کارگران آزادانه به بحث و گفتگو بیهشینه، بگذارید صالح‌ترین و آگاه‌ترین افراد را از بین خود انتخاب نموده و از جمع آنان ارکان حاکم بر امر کارخانه را بوجود آورند. این شورای منتخب و مورد اعتماد، که به تمام روندهای کارخانه وارد و بصیر است می‌تواند نظام جدیدی در درون کارخانه برقرار سازد و کار را، از اول تا آخر، در جهت منافع دولت و مردم سازی و جاری سازد. حاصل چنین خواهد شد که - ۱- امکان فرار سرمایه به‌خارج از بین می‌رود ۲- کالا به پهای ارزانی به دست مصرف‌کننده می‌رسد ۳- بازدهی کار افزایش فوق‌العاده پیدا می‌کند ۴- دستمزد استحقاقی کارگر بدست او می‌رسد ۵- مالیات و حق بیمه ارگانهای دولتی در حد واقعی وصول شود. ۶- وزارت دارائی امکان پیدا می‌کند که اظهار نامه کارخانه را با اعتماد بپذیرد و مناسبات خود را با مودی مالیاتی بهبود بخشد و قسط‌بازی اداری را به حداقل برساند و ۷- همین امر در مورد سازمان بیمه، گمرکات کشور و سایر مراجع دولتی مصداق پیدا خواهد کرد.

اعلام‌شده‌ی وزارت کار، برای هر کارگر حکم جدیدی صادر می‌شود که در آن میزان دستمزد تازه او ابلاغ می‌شود. البته در این حکم اشاره نمی‌شود که دستمزد اعلام شده فقط برای ۸ ساعت کار در روز است نه برای يك شیفت ۱۱ ساعته. این سکوت به‌کارفرما اجازه می‌دهد که دستمزد جدید را نه در مقابل ۸ ساعت کار بلکه برای يك شیفت کار بدهد. این سکوت که با سکوت تأیید آمیز کارشناسان مراجع وزارت کار همراه است (نویسنده می‌تواند نمونه‌های زیادی را در اداره کار کرج، اداره طبقه‌بندی مشاغل - حتی با وجود شکایات کارگران- نشان دهد) چه حاصلی برای کارگری وجود می‌آورد؟ برای نشان دادن ضربه‌های که در اولین مورد به کارگر می‌خورد و سودی که به کارفرما می‌رسد، فرض کنیم که بحث بر روی کارگری است که دستمزد روزانه او در حکم، مبلغ ۶۴۰ ریال تعیین شده باشد.

کارفرما در هر ماه (۲۸ روز) به این کارگر مبلغ ۱۷۹۲۰ ریال (۲۸ × ۶۴۰) می‌دهد. در حالی که طبق قانون دوران طاغوت متاسفانه هم اکنون هم جاری است کارگر مذکور مبلغ زیر را باید دریافت کند. الف: اگر کارگر همیشه روز کار باشد - بارعایت تبصره ۱ ماده ۱۲ قانون کار باید مبلغ ۲۵۹۶۶ ریال پرداخت شود.

برای نجات شش میلیارد ریال بودجه دولت، بهبود وضع کارگران و حفظ منافع مصرف‌کننده چه باید کرد **ع-۱. - محبویان ۲**

ب: در حالت نوبتی - بارعایت تبصره ۱ ماده ۱۲ و تبصره ۲ ماده ۲۱ استحقاقی کارگر در ماه ۲۸۲۶۶ ریال است.

ج - در صورت همیشه شب‌کار - بارعایت تبصره ۱ ماده ۱۲ و تبصره ۳ ماده ۲۱ دستمزد ماهیانه کارگر به ۲۹۰۵۷ ریال بالغ می‌شود.

بنابر محاسبه قانونی فوق، يك کارگر با ۶۴۰ ریال دستمزد روزانه، بطور متوسط در هر سال ۱۲۷۱۳۷ ریال کمتر از مبلغ استحقاقی دریافت می‌دارد این تجاوز برای کارفرما (با ۱۵۰ کارگر) در يك سال در حدود دو میلیون ریال سود به‌بار می‌آورد.

می‌دانیم که در دوران قبل از انقلاب، قسمتی از دستمزد طبیعی (حداقل دستمزد برابر حداقل زندگی متوسط يك خانواده ۴ نفری) کارگر به نام «سود سهام» پرداخت می‌شد. در کارخانجات بافندگی، میزان این «سود سهام» بین ۳ تا ۵ ماه دستمزد ثابت کارگر تغییر می‌کرد و علت این تغییر را باید در قدرت نفوذ کارفرما (پارٹی + رشوه) پیدا کرد. به محاسبه سود کارگر فرضی خود بپردازیم. «سود سهام» استحقاقی کارگر یا دستمزد ۶۴۰ ریال برای هشت ساعت کار با نرخ ۴ ماه در سال برابر ۲۶۸۰ ریال می‌شود ولی کارفرما به‌بهانه این که دستمزد برای يك شیفت کار است مبلغ ۵۵۸۶۰ ریال پرداخت می‌کرد.

۲- در رابطه با مالیات، شیوه معمولی اکثر کارفرمایان چنین است: گتیم که کارفرما چگونه تحت عنوان لوازم یدکی و یا به‌عنوان دستگاه کمکی، ماشین‌با فندگی وارد می‌کند و در کارگاه‌های مستقل و کوچک زیرزمینی به کار می‌اندازد. کارفرما برای هر يك از این واحدهای کوچک خود فاکتورهای بانام مجعول چاپ می‌کند. تحت عنوان بافت، مقدار معینی نخ از انبار خارج و در دفاتر ثبت می‌شود ولی نخ به‌جای تحویل به‌سالمون تولید، روانه کارگاه می‌گردد. در آخر هفته فاکتور کارگاه‌های کوچک به‌عنوان اجرت بافت به‌حسابداری تسلیم و پول آن نقدا واریز و به‌حساب هزینه بافت منظور می‌شود. (معمولاً در این نوع صنایع متوسط داد و ستد نقدی درست مدیریت‌عامل کارخانه است که در عین حال صاحب اصلی موسسه می‌باشد). با این شیوه هم پهای نخ خام صادره از کارخانه و هم مبلغ بنام اجرت بافت به حساب پهای تمام شده کالا منظور می‌گردد و مآلاً، مقدار سود مشمول مالیات کاهش می‌یابد و مالیات قانونی به نفع صاحبان کارخانه صادره می‌شود.

۳- رویه‌های کارفرما در مرحله فروش موسسات تولیدی مولف هستند که هر سال همراه اظهارنامه

۲- فروشنده مابه‌التفاوت پهای مصنوعی و قیمت واقعی را به حساب خریدار در بانک خارجی پرداخت می‌کند و بدین طریق قسمتی از سرمایه واقعی در خارج از کشور متمرکز می‌گردد.

۳- بهان مصنوعی دستگاه در دارائی‌های ثابت کارخانه ثبت و فرار سرمایه را می‌پوشاند. و در همان حال، این پهای اضافی ماخذ استهلاك قرار گرفته و هر سال ده‌ها و صد‌ها هزار تومان به‌عنوان هزینه قابل قبول در حسابها منظور می‌گردد و به همان نسبت از میزان مالیات قانونی کسر می‌شود.

۴- صاحبان صنایع تحت عنوان لوازم یدکی، قطعات اصلی ماشین مورد نیاز را وارد نموده و از مجموعه‌ای آنها دستگاه کاملی برای بهره‌برداری درست می‌کنند.

با این عمل اولاً لوازم یدکی را مستقیماً به هزینه تولید میرسد و پهای تمام‌شده کالا را مصنوعاً افزایش می‌دهد ثانیاً دستگاه را در خارج از کارخانه به کار می‌اندازد و دور از چشم ماموران مالیاتی به کسب درآمد مشغول می‌شود (در محدوده بازار تهران می‌توان ده‌ها واحد کوچک از این نوع را می‌بینی نمود).

از آنچه گذشت می‌توان دریافت که چگونه صاحبان صنایع می‌توانند به‌بهانه توسعه و یا نوسازی و یا بازسازی کارخانه، مقدار قابل توجهی ارز از کشور رایه خارج منتقل نموده و در همان حال به بالابردن مصنوعی پهای تمام‌شده کالا، هم‌مصرف‌کننده را مورد بهره‌برداری قرار دهند و هم قسمتی از حقوق مالیاتی دولت را ضبط نمایند.

۳- مواد اولیه و نقش چند جانبه‌ی آن پیشاپیش اعلام می‌دارد که در این زمینه، گزارش بر پایه تجارب حاصله در کارخانجات بافندگی (الیاف مصنوعی) تنظیم شده و می‌تواند سایر رشته‌های صنعتی، دارای ویژگی‌های خاص خود باشند.

قرارات جاری حکم می‌کند که الیاف مصنوعی باید از نوع مرغوب و استاندارد باشد، و ورود الیاف زیر استاندارد مطلقاً ممنوع است. اما در عمل، اکثر الیاف وارده شامل «استوک» فروشنده، یاب عبارت دیگر، شامل محصول وارده تولیدکننده خارجی است. بر اساس تئوری فروشنده خارجی و خریدار داخلی، پهای این نوع الیاف بر پایه‌ی پهای الیاف استاندارد فاکتور می‌شود و استاندارد بانک بر اساس آن واریز می‌گردد. در اینجا نیز، مانند ماشین آلات، مابه‌التفاوت پهای واقعی و پهای نوشته‌شده در فاکتور در حساب جاری بانک خارجی خریدار ریخته می‌شود. در این معامله، هم فروشنده پنجل خود رایه پول نزدیک کرده است و هم خریدار قسمتی از سرمایه‌ی واقعی موسسه را به خارج منتقل نموده است. خریدار از نوسان حقوق گمرکی که بر مبنای ارزش کالا اخذ می‌شود، نگران نیست زیرا وجه پرداختی به گمرک را با ارائه‌ی پروانه خروجی «صادرات» مسترد می‌کند. امانت صاحبان صنایع و زیان مردم، در این مرحله از کار تولید، چند جانبه است:

۱- خریدار که قبلاً کیفیت الیاف سفارشی را می‌داند، کالا را با پهای استاندارد و یا ۲۰ تا ۴۰٪ اضافه بر قیمت استاندارد، بیمه‌ی کامل می‌کند. در چنین حالتی بیمه‌گر مجبور است خسارت ناشی از باربری (آب‌دیدگی، لهیدگی، سوختگی، از مرغوبیت افتادن کالا) را پرداخت نماید. خریدار قسمت وارده و غیر قابل استفاده را جدا کرده و با استفاده از چند شگرد تجاری، خسارت بالاتر از قیمت استاندارد از بیمه‌گر دریافت می‌نماید. این درآمد بدون ثبت در دفاتر به جیب صاحبان صنایع می‌رود و بدین طریق از يك طرف مالیاتی پرداخت نمی‌شود و از طرف دیگر، وزن و پهای مصنوعی الیاف کالا به حساب ضایعات می‌رود.

۲- روند بالا هم چنین موجب می‌شود که مصرف‌کننده کالای نامرغوب را بعنوان کالای درجه يك و پهای کالای مرغوب را بپردازد.

۴- دستمزد، منبع اصلی سود بزرگ و فقر بزرگتر کارخانه‌ای که این گزارش ناظر بر روند و فرایند آن است، در دو شیفت کار می‌کند. به استثنای گروه فنی و اداری، سایر کارگران یا به‌شیوه نوبتی یا همیشه روز کار و یا همیشه شب کار می‌کنند. هر شیفت کار ۱۱ ساعت است. کارگران روز کار از ۶ صبح تا ۶ عصر و کارگران شب‌کار از ۶ عصر تا ۶ صبح (با احتساب يك ساعت برای غذا). شیوه‌های متداول در مورد محاسبه دستمزد به شرح زیر است.

۱- در اول هر سال، برشالوده جدول طبقه‌بندی مشاغل و ضریب

مبارزات دانشجویان دانشکده نفت

جنبش دانشجویی وارد مرحله پایانی شده است جنبش دانشجویی حفظ دستاوردهای انقلاب، برای نگرانی با تمام نیرو تلاش می کند. دانشجویان بعنوان نیروی پیشرو در سالهای سیاه اختناق زیر پدیدترین ضربات ارتجاع بودند چگاه از مبارزه برای آزادی ملت نکشیدند تجربیات جنبش دانشجویی، چشمانداز سالها مبارزه انفرسای که دانشجویان از گذراندن اکنون یکی از پایداری است که پیشپای سالان مبارزات دانشجویی قرار دارد. دانشجویان از ابتدای ترین اشکال مبارزه از مبارزه برای خواسته های مبنی شروع کردند و قدم به قدم پیش رفتند و در انقلاب همپای رده ها زمیندند و جان باختند. برای آنکه گوشه های از این مبارزات را تصویر کنیم باجمعی از دانشجویان دانشکده نفت آبادان گفتگویی داشتیم. آنچه می خوانید فشرده ای است که بر اساس این گفتگو تنظیم شده. سالهای سکوت در دانشکده از سال ۵۳ آغاز می کنیم. در آن سال دانشجویان دست به یک شتاب زدند. اکثر فعالین این جریان، دانشجویان سال بالایی بودند. اعتصاب سرکوب و مایلین دستگیر و زندانی شدند. این سرکوب ضربه سختی بر دیگر حرکت های تازه آغاز شده ما زد. بخصوص از این نظر که عناصر فعال قبلا هیچ تماسی با دانشجویان سالهای پائین برای انتقال آگاهی ها و تجربیاتشان نگرفته بودند. و شاید بدین لحاظ که در آن سالها به علت جو سیاسی غالب بر جنبش عناصر آگاه اعتقاد چندانی به کار سیاسی آگاه گرانه نداشتند. بدنبال این جریان دانشجویان از خوابگاه به منازل شرکت نفت منتقل شدند علاوه بر آن دیگر ما از بدو ورود به دانشکده کارمند شرکت نفت بودیم و حقوق هم می گرفتیم. می بینید که نقشه خوبی از جانب مترجمین طرح شده بود. در شرایطی که اکثریت مردم زحمتکش آبادان در گرمای ۴۰ تا ۵۰ درجه بدون هیچ امکانات رفاهی در دخمه ها بنام خانه کلافه بودند ما در کنار کولرها در آسایش بودیم و تازه پول برای خرج کردن هم داشتیم. خودتان تضاروت کنید که پائین و صف و نظریه سطح نازل آگاهی های سیاسی چه بلایی بر سر ارتباط دانشجویان با توده مردم می آمد. و تازه این برنامه ها در مورد دانشجویانی اعمال میشد که خود برای رسیدن به دانشکده از هفت هزار رستم گذشته بودند. یعنی همان امتحان ورودی یک مصاحبه هم بود که علاوه بر پارسی بازی نقش غربال را بازی میکرد. با طرح سوالات از پیش تعیین شده ای از قبیل: به چه کتابهایی علاقه داری؟ چه ورزشی را بیشتر می پسندی و ... سعی میشد از ورود دانشجویانی که افکار انقلابی داشتند جلوگیری بعمل آید. خوب طبیعی است که حاصل این عوام مبنی، یعنی نقش غربالی امتحان ورودی، رفاه نسبی دانشجویان از همه بهتر عدم اعتقاد... این کار سیاسی برون عقلی جو سیاسی حاکم برداشته سکوت بود. حرکت های آغازین از سال ۵۴ به بعد در قشر دانشجویان تغییر بنف

لیقات تختانی تر ایجاد میشود و شهرستانیهای بیشتری به دانشکده راه پیدا می کنند. اینبار بیشتر دانشجویان تازه وارد هستند که حرکت های اولیه را آغاز می کنند. در آن سالها هر چه بود شور و شوق بود و احساسات پاک انقلابی. از آگاهی سیاسی و تئوریک خبری نبود. میل به مبارزه را در کوه در غالب ادبیات مردمی و بسا خواندن سرودهایی از قبیل: دایه و جوانان و غیره نشان می دادیم و در دانشکده در غالب درگیری با استاد و مسئولان دانشکده. و این غیر طبیعی نبود که ما لجاجتی با استاد و یا فلان مقام مسئول را مبارزه می پنداشتیم. چرا که این خصیصه ابتدائی بودن مبارزه است. در آن زمان در آخر هر پنجسال تحصیلی یک شب نشینی از طرف مسئولان دانشکده ترتیب می یافت که نقش سهمی در فاسد کردن محیط دانشگاهی و حتی شسر ایفای نمود. دختر تنها حق شرکت در شب نشینی را داشت ولی پسرها فقط به همراه یک دختر اجازه ورود می یافت. این جشن از طرف ما دانشجویان سال اول تحریم شد. پوسته های تبلیغاتی را پاره کردیم و به هر سو زدیم که نگذاریم جشن برپا شود. حتی بخاطر صورتی که در آن سالها از مبارزه داشتیم چند نفری از ما تصمیم گرفتند که سان را به آتش بکشیم که بخاطر مخالفت دیگران عملی نشد. در پایان سال، به هنگام اعلام نتایج برای اولین بار عده زیادی از بچه ها معدلشان نسبت به سال های قبل تنزل پیدامی کند و چند نفری هم اخطار می گیرند. این مسئله در سطح دانشکده خصوصا برای دانشجویان سالهای بالا اعجاب آور است. دلیل اصلی بی علاقه دانشجویان به ادامه شیوه درس خوانی سابق و پیداکردن گرایش های سیاسی است. سال بایک اعتصاب موفقیت آمیز که دانشجویان سال اول در آن نقش عمده داشتند پایان می پذیرد. اعتصاب صنفی بود و جهت پائین آوردن قیمت غذای تریا، که موفق میشود.

★ باید مشکل شویم

با شروع سال تحصیلی ۵۶-۵۵ احساس کردیم که نیاز داریم دست به تشکیل یک هسته بزنیم. عناصر فعال این هسته بعدا به ساواک احضار و یک شبانه روز بازداشت میشوند. آنها را تهدید می کنند که هرگونه فعالیت آنها برای تبلیغ بزرگداشت ۱۶ آذر از دید ساواک پنهان نخواهد بود. آنها آزاد میشوند و علیرغم تهدید های ساواک یکماه قبل از فرارسیدن روز دانشجو ضمن افشاکاری دانشجویان را به بزرگداشت این روز تشویق میکنند. برای اولین بار در حدود ۲۰۰۰ اعلامیه چاپی در بین دانشجویان در سطح وسیع توزیع میشود اعلامیه محتوی دموکراسی دارو دانشجویان را نه بزرگداشت روز دانشجو دعوت کرد. این اولین حرکت شکل ده تاثیر زیادی بر دانشجویان دارد. دانشکده بمدت یک هفته به حالت تعطیل درمی آید. این مسئله بار دیگر ثابت می کند که محیط دانشکده تا چه حد برای جذب کار سازمان یافته و آگاه گرانه سیاسی آماده است. بعد از کشایش دوباره کلاسها

داد تا ضعف تئوریک خودمان را تاحدی جبران کنیم. در فروردین ۵۷ جنبش توده ای اوج تازه ای میگیرد. دیوارهای دانشکده پر از شعار میشوند و یک بانگ در شهر بطرز نامعلومی به آتش کشیده میشود. در رابطه با آتش گرفتن بانگ ساواک ۹ نفر از دانشجویان را دستگیر و یکی از آنها را به تهران اعزام می کند. این فرد قبلا نیز بکرات دستگیر شده است. عمل ساواک درین راه بطرف او تیراندازی می کنند و گلوله سینه اش را می شکافد او را به بیمارستان منتقل می کنند. این رفیق هم اکنون در کنار سایر دانشجویان به مبارزه برای تحکیم دستاوردهای انقلاب ادامه میدهد.

به مبارزه توده ها می یوندم

آنچه که در سطح جامعه جریان داشت نشانگر آن بود که مردم در ادامه مبارزه مصمم بودند جلادان محدرضا شاهی از فکر سرکوب باز نمی ایستادند. سالروز قیام یازدهم خرداد ۴۲ برخلاف انتظار و بنیاد لایل گوناگون به آرامی سبزی میشود که یک رکود کوتاه مدت را بدنبال دارد. باپاخیزی مردم قهرمان اصفهان این رکود کوتاه مدت شکسته میشود. شاه فاشیست به دستور اربابانش دندان تیز میکند و با یک توطئه جنبی ناچوانر دانه در سالروز کودتای ننگین ۲۸ مرداد و بیاس خدمات اربابانش سینما رکی آبادان را به آتش میکشید و بیش از ۸۰۰ نفر انسان زحمتکش زنده زنده در آتش میسوزند. این واقعه حرکت انقلابی مردم آبادان را تسریع کرد و ما را در بطن مبارزات ضد امپریالیستی و ضد ارتجاعی مردم قرار داد. از چهار دیواری دانشکده بیرون آمدیم و به مردم پیوستیم. نیروی ناچیزمان را تماما بکار بردیم و همراه با عناصر وهسته های پراکنده دست به افشاکاری در میان توده های داغدار و خشکین شهر زدیم. ارتجاع نقشه داشت که با اینکار از عناصر آگاه زهر چشم بگیرد و مردم عامی را بیجان هم از وی دیدگور ارتجاع غافل کرد که تمامی حربه هایش در وضعیت انقلابی به ضد خودش بدل میشود. مراسم شب هفت و چهل شهادت با شکوه زیادی برگزار شد. و ما هم توانستیم سهم ناچیزی در بسج مردم شهر داشته باشیم. خلق قهرمان ایران بما آموخت که برای مبارزه یک راه بیشتر نیست. بسج انقلابی توده ها!

در ادامه مبارزه ما هرگز آموزگاران خودمان، یعنی خلق مبارز آبادان را ترک نکردیم. مسلحانه و شکوهمند توده های ستمدیده فرا رسید و همراه با برچیدن نظام ننگین پادشاهی، بریالیسم جهانخواه را عقب راند. اکنون ما در گروه های متفاوت دانشجویی متشکل شده ایم. ولی ایمان داریم که می توانیم در ادامه مبارزاتمان برحول معیارهای ضد امپریالیستی و ضد ارتجاعی به وحدت باسطحی تکامل یافته تر

۱۳ نفر از دانشجویان از طرف مسئولان اخلاک مرفی و بمدت یک ترم از دانشکده اخراج می شوند. یکی از آنها از طرف ساواک دستگیر و زندانی میشود. تاثیر این اعمال سرکوبگرانه در دانشجویان ابتدا بصورت یاس تجلی می کند ولی با تلاش دانشجویان مبارز و آگاه ترو روحیه دانشجویان اوج تازه ای میگیرد. خانه دانشجویی که برای مقامات دانشکده خبرچینی میکرده است به آتش کشیده میشود و چند تن از استادان مرتجع و وابسته تهدید میشوند. در نتیجه چند تن دیگر هم دستگیر میشوند. اختناق یحدی است که دانشجویی بخاطر داشتن معدل کمتر از ۱ به ساواک احضار میشود و می پرسند: چه میکرده ای که معدل اینقدر کم است در این موقعیت بچه ها شور و شوق زیادی نسبت به مبارزه نشان میدادند ولی کمبود آگاهی سیاسی و فقر تئوریک ضعف عمده ما بود. همچنین به کم کاری سازمانهای سیاسی اشاره کنیم که هیچ تماسی با ما نداشتند، افکار دانشجویان آن لشکری نیستند که باید برای بردن آگاه میان توده ها بسیج شوند.

به مطالعه جمعی روی می آوریم

با شروع سال تحصیلی ۵۷-۵۶ و با تشخیص ضرورت کار سیاسی عمیقتر برای رفع کمبودهای تئوریک خود فکر مطالعه جمعی می افتیم ولی دسترسی چندانی به منابع تئوریک نداشتیم. با شروع مطالعه جمعی کم کم جناح بندی های ایدئولوژیک بین دانشجویان شکل میگیرد. ولی همکاری بین جناحها و دوستی شان کماکان پابرجاست. شروع حرکت های توده ای در سطح جامعه و واقعه قم که روحانیت مبارز در آن نقش بسزائی داشت تاثیر خوبی در سطح کل دانشجویان دارد و انگیزه های مبارزاتی را غنی میبخشد. ولی این واقعه از دیگر سو باعث فرقه گرایی و خشک اندیشی گروه های انحصار طلب میگردد که بجز آن میتوان گفت تا آن زمان هیچ نقش موثری در پیشبرد مبارزات دانشجویی ما نداشتند. دستگیری ۴ تن از دانشجویان در رابطه با معدوم شدن ماشین یکی بازداشت یکی از آنها به طریقی کاملاً فاشیستی و محاصره مسلحانه محل زندگی آنان، باعث میشود که دانشجویان بدور از تنگ نظری های فرقه گراییانه با تحسن و اعتراض شدید آزادی دانشجویی بازداشتی را خواستار شوند. ساواک که انتظار این اعتراض گسترده را نداشت سراسیمه و از سر استیصال رفیق ما را آزاد کرد و باید اذعان کنیم که ما برای اولین بار شاهد اعمال قدرت خود در مقابل ارتجاع بودیم. همزمان با این مبارزه عده ای از دانشجویان که در خارج فعالیت سیاسی داشتند و به ایران بازگشته بودند با ما تماس برقرار کردند. تماس با آنها باعث شد که ما به منابع تئوریک جدیدی دست یابیم و امکان مطالعه آثار کلاسیک مارکستی را پیدا کنیم این امر ما را یاری

طرح شورای سازمان ملی دانشگاهیان برای قانون استقلال دانشگاهها (۲)

- ماده ۷- شورا یک نفر از اعضای هیات علمی را بعنوان سرپرست، رئیس یا مدیر برای ایجاد ارتباط با دستگاههای دولتی و موسسات عالی علمی دیگر و سه نفر را بعنوان مسئول برای هریک از سه شورای فرعی مذکور دو ماده ۶ به رای مخفی برای مدت معین انتخاب میکند.
- ماده ۸- ترکیب، حدود اختیارات و وظایف شورای هماهنگی مرکزی و هریک از شوراهای سه گانه و مسئولان آنها طبق اساسنامه موسسه عالی علمی تعیین خواهد شد. تصمیمات شوراهای فرعی پس از تأیید شورای هماهنگی مرکزی قابل اجرا خواهد بود.
- ماده ۹- هر شورا میتواند قسمتی از اختیارات و وظایف خود را به شخص یا هیاتی به نحوی که در اساسنامه پیش بینی میشود واگذار کند.
- ماده ۱۰- اعضای شورا در مقابل موسسه عالی علمی مسئولیت مشترك دارند.
- ماده ۱۱- وظایف و اختیارات کلی شورای هماهنگی مرکزی: الف- تعیین سیاست کلی آموزشی، پژوهشی، اداری، مالی، استخدامی و دانشجویی موسسه عالی علمی با توجه به نیازهای اجتماعی، فرهنگی و علمی ب- تصویب اساسنامه ها، مقررات و آئین نامه های موسسه مربوطه. ج- اتخاذ تصمیم در مورد تعطیل اضطراری و یا تغییر مکان موسسه عالی علمی ه- تصویب بودجه و رسیدگی به حسابهای سالیانه و تخصیص اعتبارات برای فعالیت های مختلف دانشگاهی. و- بررسی و تأیید پیشنهادات شورای آموزشی، پژوهشی در مورد ایجاد رشته های تحصیلی جدید. ز- تعیین ظرفیت و نحوه پذیرش دانشجو برای موسسه عالی علمی بر مبنای نظرات و پیشنهادات واحدهای تابعه.
- امور مالی و استخدامی و اداری**
- ماده ۱۲- بودجه موسسه عالی علمی به صورت یک قلم (یکماده) در اختیار موسسه عالی علمی قرار میگیرد. ماده ۱۳- تراژنامه مالی هر موسسه عالی علمی در پایان سال تحصیلی عرضه میشود. ماده ۱۴- موسسه عالی علمی میتواند دوا را درآمدهای اختصاصی نیز باشد. ماده ۱۵- امور مالی هر موسسه عالی علمی و مصرف اعتبارات جاری و درآمدهای اختصاصی تابع هیچیک از قوانین و مقررات موسسات دولتی نیست و منحصرأ تابع مقرراتی است که از سوی موسسه عالی علمی وضع میشود. ماده ۱۶- استخدام اعضای علمی و اداری تابع مقرراتی خواهد بود که توسط موسسه عالی علمی تدوین میشود. ماده ۱۷- ضریب حقوقی اعضای هر موسسه عالی علمی باید یکسان یا موسسات علمی مشابه باشد.

ادامه دارد



شرکت ملی نفت ایران

قابل توجه مصرف کنندگان روغن های موتور محصول شرکت ملی نفت ایران در اتومبیل های سواری

بخت پیشرفت تکنولوژی و در نتیجه برسیهای علمی و صنعتی که بعمل آمده شرکت ملی نفت ایران بخاطر رفاه و رعایت صرفه مصرف کنندگان قدرت کارکرد روشنی موتور محصول خود را با بکار بستن مواد افزودنی مرغوب برآب پیش از سابق نموده است و هم اکنون حداقل کارکرد روغن موتور البرز در دشوارترین شرایط کارکرد موتور ۳۰۰۰ کیلومتر روغن موتور اولاد ۴۰۰۰ کیلومتر روغن موتورهای لارو چهار فصل ۵۰۰۰ کیلومتر است و باین ترتیب مصرف کنندگان می توانند باطمینان کامل روغن موتور اولاد خود را برای کارکرد در کیلومترهای مذکور بخرند.

قدرت کارکرد روشنی موتور البرز - اولاد - لارو چهار فصل بر روی بدنه ظروف روغن قید شده است.

آزادیهای سیاسی و اجتماعی، تجزیه پذیر نیست

حرکت های آغازین از سال ۵۴ به بعد در قشر دانشجویان تغییر بنف



در حاشیه راهپیمایی اول ماه مه

در راهپیمایی اول ماه مه یکبار دیگر نیروی انقلابی کارگران، ارتجاع را که می‌کوشید صفوف متحد و بهم فشرده آنان را متلاشی کند به عقب براند.

ارتجاع در حالی که تلاش می‌ورزید با یورش ناجوان- مردانه خود قلب سپاه متحد کارگران را درهم شکنند و شعار های بظاهر کارگری میداد و مثل همیشه خود را در پشت سنگر دفاع از حقوق کارگر پنهان کرده بود در برابر حرکت پرشکوه و متین و هوشیارانه ارتش کارگران مجبور به عقب نشینی گشت و حمله خصمانه او به قلب اتحاد و یک پارچگی آنان گزند می‌برساند. پس یاس آلود و کف‌بدهان ناچار شد دشتام‌های زهر آگین را نثار سیر آهنین کارگران نماید.

اما نیروی متحد کارگران خیابان‌ها را همچنان زیر پا نهاد و چتر صدای شکوهمندش را بر سراسر شهر گستراند. آری اول ماه مه جشن حقیقی زحمت‌کشان بود، جشنی که بر تارکش ستارگان این واژه‌ها می‌درخشید:

((مرگ بر امپریالیسم، دشمن خلق‌های جهان))
□ مخالفین که هنگام حمله با سکوت کارگران، سر- خورده بودند برای حمله‌ای گسترده‌تر شاخه‌های درخت‌ها را می‌کندند تا از آن چماتی برای سرکوب و خفه کردن حرکت کارگران تدارک ببینند.

وقتی گروهی از مخالفین بصف کارگران حمله کردند یکی از کارگران گفت:

((سرمایه داران حمله کردند))
دانشجویان مسلمان که سعی می‌کردند این افراد ارتجاعی را آرام کنند به انتظامات کارگران مراجعه کرده و گفتند: این عده از افراد ارتجاعی که تحت شعار های اسلامی بکارگران حمله می‌کنند ارتباطی با ما ندارند و قصد اخلاص دارند.

دانش آموزان و دانشجویان مسلمان که بشدت ناراحت بودند گفتند ما به این افراد مشکوک هستیم و مصرا نه از دولت می‌خواهیم که جلو اعمال این گروه‌های مرتجع را بگیرد.

بعد از پراکنده شدن کارگران، مهاجمان ضمن آنکه شعارهای ((اسلام پیروز است)) ((منافق نابود است)) و ((حزب فقط حزب اله))، رامیدادند. اعلامیه‌ها و پوستر ها را پاره کردند.

کارگران پرتوان و امیدوار بسوی خانه هایشان می‌رفتند و مهاجمان عصبانی و غضب آلود هنوز شعار می‌دادند و اعلامیه‌ها را پاره می‌کردند.



تلویزیون دروغگویی و غرض ورزی می‌کند

ناصر نماینده کارگران بیکار و عضو شورای هماهنگی برگزاری جشن اول ماه مه در نامه به پیغام امروز می‌نویسد: بمرض ملت شریف ایران برسائید که خبر سانس ۸/۵ تلویزیون در مورد دعوت سازمان چریک‌های فدایی خلق برای راهپیمایی روز اول ماه مه از محل خانه کارگر غرض آلود و دروغ محض بوده و این راهپیمایی از طرف شورای هماهنگی برگزاری جشن اول ماه مه انجام گرفت. این شورا متشکل از سه گروه سندیکایی کارگری است، به اساسی:

- شورای موسس اتحادیه مرکزی سراسری کارگران پروژه‌ای
- شورای موسس اتحادیه‌های سراسری کارگران ایران
- کانون هماهنگی سندیکاهای کارگران ایران و تنها گروه‌های خامی سیاسی از این دعوت حمایت کردند.

- ۹- حاملین ضرب و جرح کشتار کارگران در سراسر ایران باید معرفی و مجازات شوند.
- ۱۰- ملی کردن سرمایه‌ها کارخانجات وابسته به کثرت امپریالیستی و ایجاد کارخانجات بر طبق نیازهای مناطق کثرت ویژه در استانهای کرمان، بلوچستان و آذربایجان
- ۱۱- اختصاص ساعت و زمان مشخص برای پخش اخبار و خواسته‌های کارگران از رادیو تلویزیون و ارتباط با سانس کارگاه‌ها و اتحادیه‌ها و شوراهای ولسی کارگران.

شورای موسس مرکزی اتحادیه‌های سراسری کارگران پروژه‌ای بیکار و اخراجی ایران

در بخش دادگاه عجول «ما از جریان دادگاه فرمایش سرمایه داران آگاه می‌شویم. دادستان خود فروخته کارگران را توشنگ معرفی می‌کند همه چیز برای محکوم کردن متهمان آماده است متهمان عبارتند از: گامبرز، فویرا، انکل، اشتیسی خانم چین، پارسول و... آری فعالین و مبارزان طبقه کارگر همیشه مورد کینه‌های داران هستند و آنان بیش‌ترانه از کثیف‌ترین راه‌ها برای از بین بردنشان توطئه می‌چینند. ۶۶٪ از کارگران اعدام و تعدادی به زندان محکوم شدند. پارسوز و ژاک هم اعدام می‌شوند.

روز اول ماه مه برای تمام کارگران جهان حای در سبزه بزرگی است. کارگران در جریان مبارزاتشان آموخته‌اند که مبارزه اقتصادی بدون مبارزه صحیح نبوده و خیانت تمام کارگر و انقلاب پرولتری است. دولت سرمایه‌داران از تمام وسایل برای سرکوب کارگران استفاده می‌کند و کارگران موظفند تشکیلات خاص خود را برای پیروزی نهایی ایجاد کنند نهضت کارگری یک نهضت جهانی است و همه کارگران جهان با درد مشترک موظفند در مبارزه‌ای مشترک متحدانه شرکت کنند کارگران باید برای پیروزی، و بوجود آوردن جهانی آزاد، با تمام مردم زحمتکش متحد شوند و به آنان نشان دهند که تنها راه لایق برای ساختن جهانی آزادی طبقه کارگر است. آری «برای رهایی تنها یک راه هست. انقلاب، انقلاب برهبری طبقه کارگر برای محو مالکیت خصوصی و ایجاد مالکیت عمومی و ملی» کتاب «روز اول ماه مه روز کارگر چگونه می‌شود» با بررسی دقیق شرائطی که روز اول ماه مه را دیده‌اند با روشن کردن جزئیات مبارزات کارگران شیکاگو و با دادن درس‌هایی که ماستابزده تنها گوشه‌هایی از آن را در این نوشته میناق کرده‌ایم، کتابی است که بعنوان یک سند افشاگرانه و روشنگر برای جنبش کارگری ما اهمیت فراوانی دارد.

دستهای تمام مبارزان واقعی طبقه کارگر نیرومندتر باد - تا رشد مبارزات انقلابی، از انحراف مبارزات، از سازش و سر فرو آوردن جنبش کارگران در برابر سرمایه‌داران جلوگیری کنند.

قطعنامه راهپیمایی اول ماه مه

در جلساتی که شورای موسس مرکزی اتحادیه‌های سراسری کارگران پروژه‌ای و بیکار و اخراجی ایران از روز دوشنبه ۵۸/۲/۳ تا چهارشنبه ۵۸/۲/۵ با شرکت نمایندگان شهرستانها در خانه کارگر برگزار شده طی آن هیئت مدیره انتخاب گردید و اعضاء آن از نمایندگان شهرستانهای آبادان، اهواز، اصفهان، تهران، تبریز، شیراز، کردستان، سیماکان، گیلان، انتخاب شدند طبق تصمیمی که شورای موسس مرکزی، نامبرده در تاریخ چهارشنبه ۵۸/۲/۵ گرفت ما امروز دست به راهپیمایی زدیم. امروز اول ماه مه جشن کارگران آزاد شده جهان و روز اعتراض کارگران در بند می‌باشد. روز اعتراض به قوانین ظالمانه و ضد کارگری و بهره‌کشی بیرحمانه سرمایه‌داران از کارگران است. و این گردهمایی که برگزار کردیم ما کارگران پروژه‌ای، بیکار و اخراجی، اتحادیه‌گانی خود را به تمام بهره‌کشان روی زمین نشان دادیم. ماهیستگی و

روز اول ماه مه روز کارگر چگونه پیدا شد؟ نوشته: محمد متوق پور (کارگر چاپخانه)

یک سند افشاگرانه و روشنگر برای جنبش کارگری

«ما می‌خواهیم اتحادیه داشته باشیم»
«فحش، کنک، توهین، تحقیر در حق کسی که کار می‌کند غیر انسانی است»
«کارگران فقط اتحاد ضامن پیروزی شماست»
کارگران و نمایندگان شروع به سخنرانی می‌کنند، آنان در کارخانه‌ها به گوش همگان می‌رسند و فریاد می‌زنند:
«ما همه کار می‌کنیم، زحمت می‌کشیم اما همیشه گرسنه و تهی دست هستیم»
«خانم الینجر» کارگری که شوهرش را در یک ماجرا در کارخانه گوشت و موسیس سازی از دست داده بود و اینک همان کار شوهر را برای امرار معاش و بزرگ کردن فرزندش در کارخانه به عهده گرفته بود گفت: «زنان کارگر بیشتر از مردان کارگر مورد ظلم و بهره‌کشی قرار می‌گیرند.»
کارگران هنوز از توطئه کثیف سرمایه‌داران که به کمک فرماندار و شهردار و قاضی شهر در شرف وقوع بود خیر نداشتند.

در قسمت «تیراندازی و کشتار» ما از چگونگی فاجعه آگاه می‌شویم.
در خیابان نهم شهر شیکاگو ناگهان صدای چند تیر شنیده می‌شود و سپس چند بمب کوچک دستی منفجر می‌شود. یکمتر به پلیس سوار با سببیت و وحشیگری بی‌ظنیری به صف جمعیت کارگران حمله می‌کند.
جلو صف کارگران و هیئت ۱۱ نفری در همان وحله اول گلوله باران شد پلیس بیرحمانه مردم را می‌زد. بالاخره روز ۲۴شنبه دوم ماه مه ریشه توطئه کاملاً آشکار می‌شود در روز دوم ماه مه شهریه حالت نظامی در می‌آید. معلوم می‌شود از یک هفته قبل این توطئه توسط سران پلیس و سرمایه‌داران شهر تدارک دیده شده بود که طبق لیست عده‌ای کشته و بقیه دستگیر شوند تا کارگران دیگر جرات نکنند از حق و حقوق حرف بزنند.

در بخش «اول ماه مه ۱۸۸۶» این روز کبیر کارگری با تمام جزئیات تصویر شده است:
حالت غیرعادی شهر و هیجان که در قلب آن می‌تپید و خلاصه خیلی چیزهای دیگر.
کارگران گروه گروه از کارخانه‌ها بطرف میدان شهر حرکت می‌کردند تا بدان روز هیچکس آنچنان جمعیتی در شهر ندیده بود. ساعت ۸ و ۹ وقتی میدان از جمعیت موج می‌زد پلاکاردها بالا رفت: «ساعت کار فقط ۸ ساعت نه بیشتر»
«دیگر جریمه نمی‌دهیم»
«اخراج کارگران - مسدودمان سالخوردگان موقوف»
«برای اخراج کارگر باید هیئت منصفه رای دهند نه کارفرما»

معرفی کتاب (۲)

یک سند افشاگرانه و روشنگر برای جنبش کارگری

در بخش «فاصله بین دو یکشنبه» کتاب فاصله بین یکشنبه ۲۴ آوریل تا یکشنبه اول ماه مه را مورد بررسی قرار میدهد در این فاصله هیئت ۱۱ نفری در نشست جمعی به تقسیم کار و تعیین وظایف و پیش‌بینی حوادث می‌پردازد. تصمیم می‌گیرد که اقدامات مهم را با نظر اکثریت هیئت به انجام بگذارد و از هرگونه تکرر و بی‌بهره‌یزدی سه‌فقری بتوان سخنگو انتخاب میکند تصمیم گرفته می‌شود برای جلوگیری از حمله چماق‌داران جلسات مخفی تشکیل بدهند. در مورد تهیه شعارها و نوشتن پلاکاردها گفتگومی‌کنند. و قرار می‌شود برای کسب اجازه میتینگ از فرماندار، شهردار و دادستان شهر نامه‌هایی به آنان نوشته شود.

در این فاصله «نشریه میتینگ کارگری انتشار می‌یابد. در بالای نشریه‌شمار: «کارگران شهر شیکاگو همه با هم در راه کم کردن ساعت کار، حقیق روز مرخصی با استفاده از مزد در هفته و لغو جریمه و ایجاد اتحادیه کوشش کنیم» نوشته می‌شود. و بدین ترتیب اهالی شهر همه با هیجان منتظر اول ماه مه می‌نشینند.

در بخش «اول ماه مه ۱۸۸۶» این روز کبیر کارگری با تمام جزئیات تصویر شده است:
حالت غیرعادی شهر و هیجان که در قلب آن می‌تپید و خلاصه خیلی چیزهای دیگر.
کارگران گروه گروه از کارخانه‌ها بطرف میدان شهر حرکت می‌کردند تا بدان روز هیچکس آنچنان جمعیتی در شهر ندیده بود. ساعت ۸ و ۹ وقتی میدان از جمعیت موج می‌زد پلاکاردها بالا رفت: «ساعت کار فقط ۸ ساعت نه بیشتر»
«دیگر جریمه نمی‌دهیم»
«اخراج کارگران - مسدودمان سالخوردگان موقوف»
«برای اخراج کارگر باید هیئت منصفه رای دهند نه کارفرما»

انوان اساسی چیست، حقوق اساسی کدامست

(۴)

چرا اعلامیه جهانی حقوق بشر بوجود آمد؟

از آنجا که شناسائی حیثیت ذاتی کلیه اعضای خانواده بشری فوق بکسان و انتقال ناپذیر آنان اساس آزادی و عدالت و صلح در جهان تشکیل میدهد. از آنجا که عدم شناسائی و تحقیر حقوق منتهی به اعمال وحشیانه‌ای گردیده است که روح بشریت را به میان واداشته و شهور دنیائی که در آن افراد بشر در بیان و عقیده و از ترس و فقر فارغ باشند بعنوان بالاترین آمال بشر اعلام شده

از آنجا که اساساً حقوق انسانی را باید به اجرای قانون حمایت از بشر بعنوان آخرین علاج به قیام بر ضد ظلم و فشار مجبور برد.

از آنجا که اساساً لازم است توسعه روابط دوستانه بین ملل را بر تشویق قرار داد.

از آنجا که مردم ملل متحد ایمان خود را به حقوق اساسی بشر بقام و ارزش فرد انسانی و تساوی حقوق مرد و زن مجدداً در منشور بلام کرده‌اند و تصمیم راسخ گرفته‌اند که به پیشرفت اجتماعی کمک کند و در محیطی آزادی وضع زندگی بهتری بوجود آورند.

از آنجا که دول عضو متعدد شده‌اند که اقدام جهانی رعایت حقوق بشر و آزادی‌های اساسی را با همکاری سازمان ملل حد تأمین کنند.

از آنجا که حسن تفاهم مشترکی نسبت به این حقوق و آزادیها ای اجرای کامل این تعهد کمال اهمیت را دارد.

اراده مردم اساس و منشأ قدرت حکومت است

مهمترین ضابطه برای اندازه گیری آزادی، میزان آزادی مطبوعات است

حق کار، حق اعتصاب، حق حمایت در مقابل بیکاری و حق ایجاد سندیکا از حقوق مسلم افراد است

مجمع عمومی اعلامیه جهانی حقوق بشر را آرمان مشترکی برای تمام مردم و کلیه ملل اعلام میکند تا جمیع افراد و همه ارکان اجتماع بین اعلامیه را دائماً در مد نظر داشته باشند و مجاهدت کنند که بوسیله تعلیم و تربیت احترام این حقوق و آزادیها توسعه یابد و با تدابیر درجی ملی و بین المللی شناسائی و اجرای واقعی و حیاتی آنهاچه در میان خود ملل عضو و چه در بین مردم کشورهای که در قلمرو آنها می باشد تأمین گردد.

هدف منشور ملل متحد چیست و چرا بوجود آمد؟

در مقدمه این منشور می خوانیم: ما مردم ملل متحد با تصمیم به محفوظ داشتن نسلی آینده از بلائی جنگ که دوباره در مدت يك عمر انسانی افراد بشر را دچار مصائب غیر قابل بیان نموده و با اعلان مجدد ایمان به حقوق اساسی بشر و به حیثیت و ارزش شخصیت انسانی و به تساوی حقوق بین مرد و زن و همچنین بین ملت ها ام از کوچک و بزرگ و با ایجاد شرایط لازم برای حفظ عدالت و احترام ازامات ناشی از عهدنامه ها و سایر منابع حقوق بین المللی و به کمک به ترقی اجتماعی و شرایط زندگی بهتر با آزادی بیشتر.

و برای نیل به این هدفها:

به رفق و مدارا کردن و زیستن در حال صلح با یکدیگر با يك روحیه حسن همجواری و به متحد ساختن قوای خود برای نگاهداری صلح و امنیت بین المللی و به قبول اصول و ایجاد روشهایی که عدم استعمال نیروی سلاح را جز در راه منافع مشترک تضمین نماید و به برسل به وسائل و مجاری بین المللی برای پیشبرد ترقی اقتصادی و اجتماعی تمام ملل.

اکنون به اصول و حقوقی که در اعلامیه جهانی حقوق بشر، اعلامیه حقوق بشر و شهروند، منشور ملل متحد و میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی گنجانده شده است و ضرورت وجود آن در ملل و قوانین اساسی کلیه ملل دموکراتیک و آزاد، حس می شود میزدانیم:

اصول و حقوقی که باید در تدوین قانون اساسی رعایت شود

آزادیهای فردی

درباره تأمین برابری حقوقی و آزادی افراد در اعلامیه حقوق بشر شهروند چنین آمده است:

«افراد جامعه دارای يك سلسله حقوق طبیعی مقدس، مسلم و غیر قابل انکار می باشند. بر اطلاعاتی مسادر امور از وجود این حقوق با عدم رعایت آنها یکنانه علت فلاکت و بدبختی اجتماعات بشری است. ماده اول - افراد مساوی و آزاد پدین می آیند و بنابراین باید در تمام مدت عمر خویش از آزادی و برابری در حقوق بهره مند گردند. اختلافات اجتماعی فقط در صورتی جایز است که مصالح و منافع عمومی آن را ایجاب کند.

ماده دوم - مرام اجتماعات بشری همانا حفظ و حراست حقوق طبیعی اشخاص است و این حقوق عبارت است از آزادی - حق مالکیت - امنیت و حق دفاع در مقابل ظلم.

ماده چهارم - آزادی عبارت از این است که اشخاص بتوانند همکاری را که صلاح و منقذی بدانند انجام دهند. بشرط اینکه مصلک آنها صدمه به حقوق دیگران وارد نسازد. حقوق اشخاص با

فقط قانون می تواند محدود کند.

ماده پنجم - قانون عملیاتی را می تواند ممنوع کند که مضر به حال جامعه باشد و هر عملی که قانوناً ممنوع نیست، مجاز و مشروع می باشد ولی هیچکس را نمی توان وادار به عملی کرد که در قانون منظور نگردیده است.

ماده هفتم - از لحاظ حمایت و از حیث مجازات تمام افراد در مقابل قانون مساوی هستند. افرادی که از لحاظ معلومات و صلاحیت اخلاقی مساوی باشند، حق رسیدن به مقامات دولتی و اشتغال به مشاغل عمومی را دارا خواهند بود.

ماده هشتم - قانون فقط مجازاتی را می تواند معین کند که لزوم ضرورت آن آشکار باشد. هیچکس را نمی توان مورد مجازات قرار داد مگر به موجب قانونی که قبل از وقوع جرم به تصویب رسیده و ابلاغ و بموقع اجرا گذاشته شده باشد.

ماده نهم - هر فردی بیگناه شناخته می شود، مگر اینکه تقصیر او به ثبوت برسد و هر عمل شدیدی که اعمال آن درباره متهم ضرور نباشد، باید به سختی مورد مجازات واقع گردد.

ماده دهم - هیچکس را نمی توان برای عقاید حتی عقیده مذهبی مورد تعقیب قرار داد. مشروط بر اینکه ابراز آن عقیده محل نظم عمومی نگردد.

ماده یازدهم - چون انتشار عقاید و نظریات شخصی یکی از امتیازات اساسی می باشد، لذا هر فردی مجاز است آزادانه سخن بگوید، بنویسد و نوشته های خود را بصورت نشر دریاورد سوسه استفاده از این حق در موارد مقرر در قانون مورد تعقیب است.

ماده دوازدهم - تضمین حقوق بشر مستلزم داشتن نیروی انتظامی است که برفع عمومی و نه برای اشخاصی که آن را اداره می کنند، ایجاد شده است.

ماده سیزدهم - به منظور نگهداری نیروی انتظامی و تأمین هزینه آن، ایجاد مالیات می شود. مالیات باید با در نظر گرفتن توانایی مؤدیان دریافت شود.

ماده چهاردهم - تمام مردم حق دارند شخصا یا بوسیله نمایندگان خود لزوم وضع مالیات را تأیید نموده و آزادانه با آن موافقت کنند و ماخذ و سهم بندی و طریقه دریافت و مدت آن را تعیین و در مصرف آن نظارت کنند.

ماده پانزدهم - جامعه حق دارد از کلیه مستخدمین دولت درباره انجام وظایف محوله به آنها، بازخواست نماید.

ماده شانزدهم - اجتماعاتی که حقوق بشر و اصل تفکیک قوا را رعایت نمی کنند فاقد قانون اساسی می باشند.

ماده هفدهم - چون حق تملک يك حق مقدس و غیر قابل تجاوز می باشد، بدین جهت از هیچکس نمی توان سلب مالکیت نمود. مگر در مواردی که مصلحت عمومی ایجاب کند. مشروط بر اینکه قیمت عادلانه مورد نظر قبلاً تعیین و قبل از خلع ید به مالک پرداخته شود.

در اعلامیه جهانی حقوق بشر در مورد آزادیهای فردی چنین آمده است:

احدی را نمی توان خود سرانه توقیفی، تحت شکنجه یا مجازاتها یا رفتاری قرار داد که ظالمانه و بر خلاف انسانیت و شئون بشری یا موهن باشد

ماده ۲- هرکس می تواند بدون هیچگونه تمایز مخصوصاً از حیث نژاد، رنگ، جنس، زبان، مذهب، عقیده سیاسی یا هر عقیده دیگر و همچنین ملیت وضع اجتماعی - ثروت - نسب یا هر موقعیت دیگر از تمام حقوق و کلیه آزادیهایی که در اعلامیه حاضر ذکر شده است بهره مند گردد.

ماده ۸- در برابر اعمالی که حقوق اساسی فرد را مورد تجاوز قرار بدهد و آن حقوق بوسیله قانون اساسی یا قانون دیگری برای او شناخته شده باشد، هرکس حق رجوع مؤثر به محاکم ملی صالحه دارد.

ماده ۱۰- (۱) هرکس با مساوات کامل حق دارد که دعوائش بوسیله دادگاه مستقل و بی طرفی منصفانه و علناً رسیدگی بشود در چنین دادگاهی درباره حقوق و الزامات او یا هر اتهام جزائی که به او توجه پیدا کرده باشد اتخاذ تصمیم بنماید.

(۲) هیچکس برای انجام یا عدم انجام عملی که در موقع ارتکاب آن عمل به موجب حقوق ملی یا بین المللی جرم شناخته نمی شده است محکوم نخواهد شد به همین طریق هیچ مجازاتی شدیدتر از آنچه که در موقع ارتکاب جرم بدان تعلق می گرفت درباره احدی اعمال نخواهد شد.

ماده ۱۲- احدی در زندگی خصوصی امور خانوادگی اقامتگاه یا مکاتبات خود نباید مورد مداخله های خودسرانه واقع شود و شرافت و اسم و رسمش نباید مورد حمله قرار گیرد. هرکس حق دارد که در مقابل اینگونه مداخلات و حملات مورد حمایت قانون قرار گیرد.

ماده ۱۳ (۱) هرکس حق دارد که در داخل هر کشوری آزادانه عبور و مرور کند و محل اقامت خود را انتخاب نماید.

(۲) هرکس حق دارد هر کشوری و از جمله کشور خود را ترک کند یا به کشور خود باز گردد.

ماده ۱۴- هرکس حق دارد در برابر تعقیب شکنجه و آزار پناهگاهی جستجو کند و در کشورهای دیگر پناه اختیار کند.

ماده ۱۸- هرکس حق دارد که از آزادی فکر وجدان و مذهب بهره مند شود. این حق متنسناً آزادی تغییر مذهب یا عقیده و همچنین

متضمن آزادی اظهار عقیده و ایمان می باشد و نیز شامل آزادی تبلیغات مذهبی و اجرای مراسم مذهبی مختلف می باشد.

ماده ۲۸- هرکس حق دارد برقراری نظمی را بخواهد که از لحاظ اجتماعی و بین المللی حقوق و آزادیهای را که در این اعلامیه ذکر گردیده است تأمین کند و آنها را به مورد عمل بگذارد.

میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی در مورد آزادی فردی می گوید:

ماده ۲- (۱) کشورهای طرف این میثاق متعهد می شوند که حقوق شناخته شده در این میثاق را درباره کلیه افراد مقیم در قلمرو و تابع حاکمیت شان بدون هیچگونه تمایزی از قبیل نژاد - رنگ جنس - زبان - مذهب - عقیده سیاسی یا عقیده دیگر - اصل و منشأ ملی و اجتماعی - ثروت - نسب یا سایر وضعیت ها محترم شمرد. و تضمین بکنند.

ماده ۶- (۱) حق زندگی از حقوق ذاتی شخص انسان است. این حق باید به موجب قانون حمایت بشود. هیچ فردی را نمی توان خودسرانه (بدون مجوز) از زندگی محروم کرد.

(۴) - هر محکوم به اعدامی حق خواهد داشت که درخواست عفو یا تخفیف مجازات بنماید و عفو عمومی یا عفو فردی یا تخفیف مجازات اعدام در تمام موارد ممکن اعطا بشود.

ماده ۹- (۲) هرکس دستگیر میشود باید در موقع دستگیر شدن از جهات (علل) آن مطلع شود و در اسرع وقت با اطلاعیه های دائر بر هرگونه اتهامی که باو نسبت داده میشود دریافت دارد.

(۳) - هرکس با تمام جرمی دستگیر یا بازداشت می شود باید او را با اسرع وقت در محضر دادرس یا هر مقام دیگری که به موجب قانون مجاز با اعمال اختیارات قضائی باشد حاضر نمود و باید در مدت

همه اقوام حق خودمختاری دارند

به موجب این حق آنها وضع و موقعیت سیاسی خود را آزادانه تعیین میکنند

هر فردی مجاز است آزادانه سخن بگوید، بنویسد و نوشته های خود را بصورت نشر در آورد

معقولی دادرسی یا آزاد شود. بازداشت (زندانی نمودن) اشخاصی که در انتظار دادرسی هستند نباید قاعده کلی باشد لیکن آزادی موقت ممکن است موقوف باخذ تضمین هایی بشود که حضور متهم را در جلسه دادرسی و سایر مراحل رسیدگی قضایی واجباً مورد برای اجرای حکم تأمین نماید.

(۴) - هرکس که بر اثر دستگیری یا بازداشت (زندانی) شدن از آزادی محروم می شود حق دارد که به دادگاه بدون تاخیر راجع به قانونی بودن بازداشت اظهار رای بکند و در صورت غیر قانونی بودن بازداشت حکم آزادی او را صادر کند.

(۵) - هرکس که بطور غیر قانونی دستگیر یا بازداشت (زندانی) شده باشد حق جبران خسارت خواهد داشت.

ماده ۱۲- هرکس قانوناً در قلمرو کشوری باشد حق عبور و مرور آزادانه و انتخاب آزادانه مسکن خود را در آنجا خواهد داشت.

ماده ۱۹- هیچکس را نمی توان به مناسبت عقایدش مورد مزاحمت و افاضه قرار داد.

آزادیهای اجتماعی و سیاسی

در میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی در مورد آزادیهای اجتماعی آمده است:

ماده ۲۱- حق تشکیل مجامع مسالمت آمیز به رسمیت شناخته میشود. اعمال این حق تابع هیچگونه محدودیتی نمی تواند باشد جز آنچه بر طبق قانون مقرر شده و در يك جامعه دموکراتیک به مصلحت امنیت ملی یا ایمنی عمومی یا نظم عمومی یا برای حمایت از سلامت یا اخلاق عمومی یا حقوقی و آزادیهای دیگران ضرورت داشته باشد.

ماده ۲۲- هرکس حق اجتماع آزادانه با دیگران دارد از جمله حق تشکیل سندیکا (اتحادیه های صنفی) و الحاق به آن برای حمایت از منافع خود.

۲- اعمال این حق تابع هیچگونه محدودیتی نمی تواند باشد مگر آنچه که به موجب قانون مقرر گردیده و در يك جامعه دموکراتیک به مصلحت امنیت ملی یا ایمنی عمومی یا نظم عمومی یا برای حمایت از سلامت یا اخلاق عمومی یا حقوقی و آزادیهای دیگران ضرورت داشته باشد. این ماده مانع از آن نخواهد بود که اعضای نیروهای مسلح و

کلیه اشخاص صرف نظر از حیث نژاد - رنگ - زبان - مذهب و عقاید سیاسی در برابر قانون متساوی هستند

پلیس در اعمال این حق تابع محدودیتهای قانونی بشود. در میثاق بین المللی حقوق اقتصادی - اجتماعی و فرهنگی ضمن تأکید بر حق تشکیل سندیکاها در مورد حق اعتصاب چنین می خوانیم: ماده ۱۸ حق اعتصاب مشروط بر اینکه با رعایت مقررات کشور مربوط اعمال شود. این ماده مانع از این نخواهد بود که افراد نیروهای مسلح و پلیس یا مقامات اداری دولت در اعمال این حقوق تابع محدودیت های قانونی بشوند.

ماده ۱۰- خانواده که عنصر طبیعی و اساسی جامعه است باید از حمایت و مساعدت به حد اعلا می ممکن برخوردار گردد. بویژه برای تشکیل و استقرار آن و مادام که مسئولیت نگاهداری و آموزش و پرورش کودکان خود را بعهده دارد. نا تمام

درس اسر ایران مراسم ختم استاد مطهری از جانب گروه های مختلف برپا شد

پنجشنبه گذشته بیش از نهم میلیون نفر از مردم ایران در مراسم تشییع جنازه استاد مرتضی مطهری در قم شرکت کردند. در این مراسم آیت الله عینی آیت الله شریعتی، آیت الله مکارم شیرازی و هیات ائمه علمیه در قم شرکت داشتند. مراسم گزارش های وصیده، مردم در حالی که شعار «تروریسم محکوم است» می دادند جنازه را تاحرم حضرت معصومه مهاجرت کردند. صبح پنجشنبه نیز هزاران تن از زنان و مردان مقابل دروازه دانشگاه تهران در تشییع جنازه شرکت کردند. در این مراسم مهندس بازرگان نخست وزیر و چند تن از اعضای هیئت دولت و شورای انقلاب و نیز استادان و دانشجویان دانشگاه حضور داشتند. اتومبیل حامل جنازه پس از عبور از خیابانهای

مردم ایران

بقیه از صفحه ۱
سرمایه دار وابسته و دلال هم، و آن مرشدان نظامی و سیاسی و فرهنگی نظام دیکتاتوری حلقه بگوش امپریالیسم هم مرتجع و دست راستی هستند، مقاطعه کاران بزرگ، و صاحبان سازمانهای مشاور و دلالان شرکتهای تولید یا خدمت خارجی هم، ازین ردیفند. و در احوال و شرایط انقلابی هر کس که به هر بهانه درصد محدود ساختن حق برخورداری مردم از آزادیهای طبیعی متعلق به آنها، برآید، راست است، مرتجع است، ضد انقلاب است.

و چپ، در مقابل باین راست مرتجع و ضد انقلاب است که شکل می گیرد و مشخص می شود، توطئه یی که علیه آزادیهای اساسی مردم، در حال تکوین است، در پهن خود یک توطئه راست و ارتجاعی است، و کسانی که می کشند، معتقدات مردم را به زنجیر این توطئه بیاویزند، خود آگاهند که چه خیانتی دارند به مردم و به تاریخ این سرزمین مرتکب می شوند. اما، برای آنکه مردم عادی هشیار شوند و خود را چشم و گوش بسعه تسلیم این توطئه ارتجاع و اسعیداد قرون وسطایی نکنند، این سؤال را برای شمار دهندگان مطرح می کنیم که: «راست به عقیده شما، در شرایط و احوال کنونی ایران کیست؟ و چپ کدام است؟»

یک کارگر

بقیه از صفحه ۱
نام دارد، چون شب کار بوده از جریان مطلع نمی شود. گروهی پاسداو او را در محل کارخانه ذوب آهن دستگیر می کنند. در همین رابطه کارگری بنام آصفبانی

سؤال از دولت

بقیه از صفحه ۱
باین وصف، ما، از دولت موقت انقلاب میپریم، درباره اظهارات صریح معاون سابق وزارت امور خارجه که با جلب توجه آقای دکتر سجانی، یک چهره قابل اعتماد مردم، در مبارزات ملی برای سرنگونی رژیم منحل، در اختیار مطبوعات قرار گرفته بود، و نیز درباره توصیه های صریح آقای دکتر امیرعلایی، از مبارزان جبهه ملی و سفیر ایران، در پاریس، چه جوابی برای مردم دارند؟

آیا، به قدری که آنها از آسیب می افتند، خیل مستشاران امریکایی، جاری خواهد شد، و اجرای قراردادها از سر گرفته می شود؟ و باز اصل شاه پذیرفته کاپیتولاسیون برای اقیانوس آمریکا، به فوت خود می ماند؟ و «اف» و «اف ۱۴» با خروشی که دیوار صوتی را می شکند به ایران سرازیر می گردد؟ و پایگاه های جاسوسی، در استثنای جدید علیه همسایگان ما، فعالیت خواهد کرد؟ و سنتو، تجدید قالب خواهد کرد؟

جواب دولت موقت انقلاب، به مردم ایران، درباره این تمهدهای «محترم» نگاه داشته شده چیست؟ مگر شاه را مردم بخاطر سرپردگی به امپریالیسم از ایران بیرون نرانند؟ اگر قرار باشد، با بیرون رفتن شاه هم آن تمهدها پایدار بماند، فرق رفتن و نرفتن شاه برای مردم چه خواهد بود؟ برای مردم ایران، آدمها بابت گمنامی یا پرنامی شان مطرح نیستند، آدمها بابت نقشی که در قبال خارجی برای حفظ یا فروختن استقلال و حاکمیت و صنایع ملی ایفا می کنند، مطرح می شوند و بابت تمهدهای که در مقابل امپریالیسم دارند، یا در مقابل مردم

حزب محافظه کار

بقیه از صفحه ۱
شده و از طرف دیگر محافظه کاران موفق شدند با تصحیح اشتباهات بزرگ گذشته خود، اختلافات و انشعابات درونی را حل کرده و با حمایت و پشتیبانی بورژوازی انگلیس رقیب قدرتمند را بکنار زنند.

نتایج انتخابات انگلیس نشان می دهد که گرایش جدیدی به احزاب سنتی و دست راست مانند دیگر کشورهای صنعتی غربی در آنجا وجود دارد. احزاب کارگر و لیبرال بسیاری از کرسیهای قبلی خود را از دست داده اند. کشورهای استرالیا، زلاند نو، کانادا و رودزیا از پیروزی خانم تاجر بگرمی استقبال کرده اند و باین اسمیت ضمن ایراد «خرسندی از خبر خوب» اظهار امیدواری کرده است که سیاست مداران، رهبران محافظه کار اجازه نخواهند داد در امور داخلی رودزیا افراد غیر مسئول دخالت نمایند «اتحادیه های کارگری در انگلستان نگرانی و ناراحتی خود را از انتخاب مارگارت تاجر پنهان نکرده و باینه های متعددی در این زمینه منتشر کرده اند.

تروریستهای اصالی

بقیه از صفحه ۱
به هدف خود بایه آماده باشیم که از فریب، تجاوز به قانون، ترور انکار و کتمان حقیقت استفاده نماییم. و ذیل آن کوشیدند ترور قیم شب چهارشنبه را با تمام وضوح و صراحتی که داشت، بار دوش روشنفکران سازند، و آن بر چسب معروف را، با همان اندازه از فرهنگ که برخورد دارند، به مبارزه آزادیخواهان بچسبانند. این جنایتکاران حادثه آفرین که چهره خون آشام خود را پشت ماسک مذهب، پنهان کرده اند، در قساوت و قوحش، دستی بالاتراز مزدوران و مأموران شکنجه گر «ساواک» دارند. خود آنها کراهت چهره شان را درگ نمی کنند، ولی مردم اهراف، صاحب هر طرز تفکر که باشند، در برخورد با این بیلیفات توطئه انگیز و فاجعه آفرین، نمی دانند دچار اشتزاز و تنفر نشود.

روهنفکران و طرفداران آزادی عقیده و آزادی های سیاسی از چنان فرهنگی برخوردارند که تکیه بر آگاهی ها و بر خصال و صفات انسانی جامعه دارد، و حربه آنها قلمه است. و هرگز بر سر معتقدات مذهبی یا دیگران درگیر نمی شوند. و ترور، و ایجاد محیط ارباب و خفقان را، حربه متجاوزان حقوق مردم می دانند.

ما ضمن ابراز انزجار نسبت به ترور استاد مطهری، و هر ترور دیگر، این دسته از مبلغان فاجعه و خفقان و ترور را، عامل اصلی و پدید آورنده شرایطی اعلام می کنیم که به حوادث لاگوار چند هفته اخیر انجامیده است. و از دانشجویان دانشگاه های تهران، می خواهیم، عواملی ازین قبیل را که به نام آنها ساعت ۸ صبح چهارشنبه اعلامیه پخش کرده اند که «این خائن طبق فرمان نشین مبتدی بر کتمان حقیقت این عمل ناجوانمردانه را انکار و حتی محکوم خواهد کرده به عنوان آگاهان یا دام گستران فاجعه تعقیب و رسوا کنند.

یادآوری

بقیه از صفحه ۱
مبارزات ایرانیان در خارج بازی کرد و همواره وفادار به سنن مصدق با پایمردی در مبارزه شرکت نمود شایگان برای نسل جوان انقلاب ایران نیز چهره های آشناست، از همان بدو ورودش بعد از سالها تبعید بصراحت تمام نظرات خود را بازگویی نمود و از زیر بار مسؤلیت سنگینی که بر دوشش بود، شانه خالی نکرد. و نشان داد که علی رغم

دکتر شایگان

بقیه از صفحه ۱
برای اینکه بمقوله اوتازمانی که شرکت نفت در ایران وجود داشت حصول آزادی ممکن نبود، اصل و اساس فکر دکتر مصدق ایجاد ایرانی آزاد بود، یعنی میخواست آزادی را در ایران تأمین نماید و اقداماتی را که درباره ملی کردن صنعت نفت انجام داد فرع بر مسئله آزادی بود، او تصور می کرد که با وجود شرکت نفت، حصول آزادی غیر ممکن است.

آیا در شرایط حاضر امکان ایجاد يك قانون اساسی مترقی وجود دارد یا نه، عبارت دیگر آیا همه پایه های امپریالیسم در ایران از بین رفته است یا خیر؟

ج - پایه های امپریالیسم هنوز از میان نرفته است، ولی قانون اساسی می تواند بشکلی تدوین و تنظیم گردد که خود عاملی برای از بین بردن پایه های امپریالیسم گردد.

فرانسه قانون اساسی منتشر نموده ایست نکاتی در مورد تفکیک قوای سه گانه

مقتنه، اجرائی و قضائی وجود دارد، آیا توضیح بیشتری را در این موارد لازم می بینید؟

ج - توضیح بیشتری لازم نیست، چون آنچه را که ذکر نموده ام در قانون اساسی سابق نیز موجد است چه اگر قوه قضائیه، مقننه و اجرائی در دست یک نفر متمرکز باشد تبدیل به دیکتاتوری میشود و همان مصیبتی که در زمان شاه سابق پیش آمد بوجود می آید.

سؤالی داشتم در مورد مقدمه متن پیشنهادی قانون اساسی جدید، نظراتان در مورد این مقدمه چیست؟

ج - نوشته خوبی است ولی جای آن در قانون اساسی نیست، خوبست که بصورت مقاله ای منتشر شود در هر حال باید مجدداً بخوانم و نظر بدهم.

باید نظر گرفت این که، چنین مقدمه ای باید بیانگر تاریخ مبارزات مردم ایران باشد، آیا مقدمه مزبور پاسخگوی این نیاز می باشد؟

ج - این مقدمه تهیه شده به هیچ عنوان وافی به مقصود نمی باشد باید ارباب اطلاع از مشورت کافی طرح جامع تری را برای قضاوت مردم ارائه دهند.

دکتر پیشکام اهواز را آتش زدند

اهواز - گروهی ناشناس شب جمعه دفتر پیشکام اهواز را آتش کشیدند. ناظران حادثه گفتند بقیه کلیه مدارک و پرونده های ساختمان توسط همان افراد به نقطه نامعلومی برده شد. دفتر پیشکام تا ظهر دیروز در آتش می سوخت.

تقاضای شورای مؤسسان اتحادیه سراسری کارگران ایران

شورای مؤسسان اتحادیه سراسری کارگران ایران اطلاعیه ای منتشر داده است که «کسانی که در جریان برگزاری جشن اول ماه مه بارها کوشیدند پرچمهای شورای مؤسسان اتحادیه سراسری کارگران ایران را پایین بیاورند، حال می کوشند با انتساب «شورای مؤسسان» به جریانهای احزاب سیاسی، به این تشکیلات مستقل کارگری ضربه بزنند.»

آیا این ابهامات در موارد دیگر نیز پیش می آید؟ ج - بله در مورد حقوق افراد ملت ایران نیز نارسائیهایی وجود دارد. من در فراخوانم بطور مشروح تری حقوق ملت ایران را بیان کرده ام. بنظر من این حقوق باید بطور جامع تری تعریف شود. مخصوصاً آنجا که صحبت از حقوق ملت و آزادی است، قانون باید مدافع آزادی باشد و محلی برای تفسیر ناپاب و خدای نکرده دیکتاتورنمناشان باز نگذارد. در این باب اصل ۳۳ دارای نارسائیت زیوا تعریف دقیقی از حقوق اجتماعی مشروح نشده. میدانید که قانون اساسی باید جامع باشد و سپس توسط قوانین وضع شده در مجلس تفسیر شود. از این نظر حقوق اجتماعی مشروح مبهم است.

بنظر می رسد که اصول ۳۰ و ۳۱ پیش نویس قانون اساسی که در برگرفته قوانین مربوط به مطبوعات و اجتماعات می باشد، بی تاثیر از قوانین گذشته نباشد، چه در قانون اساسی گذشته نیز در اصل بیستم وجود داشته است که مطبوعات و کتابها را تحت سانسور قرار می داد و جلوی اجتماعات را می گرفت. آیا بنظر شما در قوانین مربوط به آزادی می توان محدودیتی قائل گردید، آیا متفکرین غیر اسلامی می توانند کتاب بنویسند و نظراتشان را ارائه دهند؟

ج - من برای آزادی سیاسی هیچ محدودیتی قائل نیستم، و از این نظر نبودن اصل معیزی در این متن و پیش نویس مورد تأیید کامل من است، این اصل خوبی است. ولی آنجا که به کتاب ضلال و خلاف احکام اسلام اشاره کند، می توان همه نوع استنباط از آن نمود می دانید دو یک کشور متقدم هیچ کس محدودیتی برای ابراز عقیده ندارد و اساساً داشتن هر نوع عقیده و تبلیغ آن جرم نیست. در ایران نیز جز برای طرفداران رژیم شاه سابق و دست نشاندهگان اجانب، نباید هیچگونه محدودیتی

تقریباً همه سالها با تکلیف گذاشتن بشری خاطر نشان ساخت که قوه اجرائیه نباید هیچ وجه در قوه قضائی مداخلت و تأثیر داشته باشد.

دکتر پیشکام گفت: نظر اینست که از مجمع عمومی دیوان عالی کشور خود قضات چند نفر را به عنوان اعضای و علی البدل انتخاب کنند و طبق قانون تمام امور مربوط به انتصاب و تغییر قضات و سایر کارمندان زیر نظر هیئت منتهجه انجام گیرد و آنچه مربوط به اختیارات وزیر دادگستری است برعهده هیئت مذکور باشد.

قائل شد. برای متفکرین غیر مسلمان نیز نباید محدودیتی گذاشت، اسلام با رورتر از آن است که بخواهد با سانسور بر روی نشر عقاید دیگران را بگیرد. اسلام مخالف هرگونه سانسور و ترور فکری است.

در باره اصول دیگر حقوق ملت ایران چه نظری دارید؟ ج - اصل ۳۴ آن که در مورد ممنوع بودن مطلق شکنجه بدنی و یاروانی است بسیار اصل مترقی است و نشانهای از جنبش آزادی خواهانه مردم ایران است، ولی نبره ای که بدان افزوده شد است و قصاص و حدود شرعیه را مجاز می شمارد، مبهم و نایبجاست. در مورد اصول محدود مالکیت نظری دارید؟ ج - آنجا که صحبت از ملی کردن صنایع بزرگ و اقسام بانکها در یک سازمان ملی می باشد این قوانین مورد تأیید کامل من است. در حقیقت با ملی کردن بانکها و صنایع بزرگ می توان از وابستگی خارج شده و راه را برای ایجاد استقلال اقتصادی کامل ایران هموار نمود. البته در نحوه عبارت بندیها میتوان تغییراتی داد.

دکتر پیشکام اهواز را آتش زدند

اهواز - گروهی ناشناس شب جمعه دفتر پیشکام اهواز را آتش کشیدند. ناظران حادثه گفتند بقیه کلیه مدارک و پرونده های ساختمان توسط همان افراد به نقطه نامعلومی برده شد. دفتر پیشکام تا ظهر دیروز در آتش می سوخت.

تقاضای شورای مؤسسان اتحادیه سراسری کارگران ایران

شورای مؤسسان اتحادیه سراسری کارگران ایران اطلاعیه ای منتشر داده است که «کسانی که در جریان برگزاری جشن اول ماه مه بارها کوشیدند پرچمهای شورای مؤسسان اتحادیه سراسری کارگران ایران را پایین بیاورند، حال می کوشند با انتساب «شورای مؤسسان» به جریانهای احزاب سیاسی، به این تشکیلات مستقل کارگری ضربه بزنند.»

وزیر دادگستری

بقیه از صفحه ۱
ماها و سالها با تکلیف گذاشتن بشری خاطر نشان ساخت که قوه اجرائیه نباید هیچ وجه در قوه قضائی مداخلت و تأثیر داشته باشد. دکتر پیشکام گفت: نظر اینست که از مجمع عمومی دیوان عالی کشور خود قضات چند نفر را به عنوان اعضای و علی البدل انتخاب کنند و طبق قانون تمام امور مربوط به انتصاب و تغییر قضات و سایر کارمندان زیر نظر هیئت منتهجه انجام گیرد و آنچه مربوط به اختیارات وزیر دادگستری است برعهده هیئت مذکور باشد. قائل شد. برای متفکرین غیر مسلمان نیز نباید محدودیتی گذاشت، اسلام با رورتر از آن است که بخواهد با سانسور بر روی نشر عقاید دیگران را بگیرد. اسلام مخالف هرگونه سانسور و ترور فکری است. در باره اصول دیگر حقوق ملت ایران چه نظری دارید؟ ج - اصل ۳۴ آن که در مورد ممنوع بودن مطلق شکنجه بدنی و یاروانی است بسیار اصل مترقی است و نشانهای از جنبش آزادی خواهانه مردم ایران است، ولی نبره ای که بدان افزوده شد است و قصاص و حدود شرعیه را مجاز می شمارد، مبهم و نایبجاست. در مورد اصول محدود مالکیت نظری دارید؟ ج - آنجا که صحبت از ملی کردن صنایع بزرگ و اقسام بانکها در یک سازمان ملی می باشد این قوانین مورد تأیید کامل من است. در حقیقت با ملی کردن بانکها و صنایع بزرگ می توان از وابستگی خارج شده و راه را برای ایجاد استقلال اقتصادی کامل ایران هموار نمود. البته در نحوه عبارت بندیها میتوان تغییراتی داد.